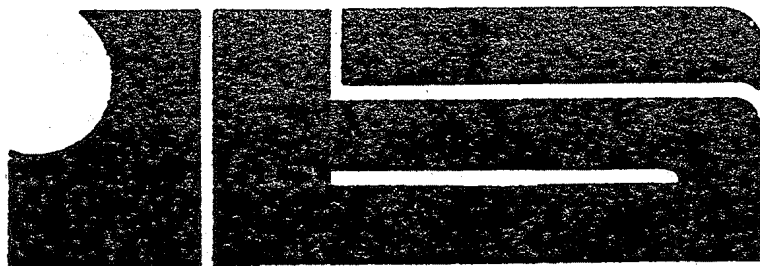


جاودان باد خاطره تمام
کسانیکه در مقابل رژیم
کودتا ایستادند و جن باختند



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سه شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۵۹

سال دوم شماره ۷۲

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

بحران درونی هیئت حاکمه و چشم انداز آن

بالاخره پس از کش و قوس های بسیار بین مجلس و رئیس جمهور، هیئت چهار نفره رجائی را بعنوان نخست وزیر پیشنهاد کرد و بنی صدر علی رغم عدم موافقت آشکار با این انتخاب مجبور به پذیرش وی شد. ولی با این وجود نماینده رئیس جمهور در هیئت چهار نفره ضمن مصاحبه ای عدم رضایت بنی صدر را از این انتخاب بر زبان راند و رجائی را یکی از چهار فردی برشمرد که رئیس جمهور با انتخاب آنها موافق نبوده است.

نامه معرفی نخست وزیر که قبول مسئولیت توسط ریاست جمهوری را منوط به رای قاطع مجلس مینمود، بسیار جنجال برانگیز بود و موجب اعتراض بسیاری از نمایندگان منتسب به جناح حزب جمهوری اسلامی به معرفی نامه گردید. رجائی که قبل از انتخاب رسمی اش به پست نخست وزیری طی مصاحبه ای روش خود

را در برابر سرمایه داران بزرگ (که خواهان تغییر رویه! آنان بود) و کارگران اعلام نموده بود و شک و شبهه ای در این باره که وی مصمم به دفاع از سرمایه داران میباشد باقی نگذاشته بود، پس از انتساب به پست نخست وزیری خود را "مقلد امام، فرزند مجلس و پسر در رئیس جمهور" نامید و چنین وانمود ساخت که گویا نقطه اتصالی میباشد که وظیفه وحدت بخشیدن به جناح های مختلف هیئت حاکمه را بر دوش دارد. او بظاهر عضو هیچ حزبی نیست و لسی عقاید، نظریات، سوابق و عملکردهای وی پس از قیام بعنوان یکی از مقامات کشوری، روشن می سازد که وی حتی نسبت به بسیاری از عناصر و افراد عضو حزب جمهوری اسلامی به این حزب نزدیک تر بوده و کاملاً در خط حزب قرار دارد. ترجیح دادن وی به میر سلیم که عضو شورای مرکزی حزب بود خود بیانگر این امر است. بی جهت

نبود که حزب قاطعانه از او دفاع نمود و روزنامه جمهوری اسلامی به تعریف و تمجید درباره اش پرداخت و بهشتی او را "بهترین" نامید. برخلاف عقیده برخی محافل که انتخاب نخست وزیر را گامی در جهت تخفیف بحران درونی و اختلافات دو جناح اصلی حاکم قلمداد می کنند، بررسی وضعیت کنونی نشان میدهد که با این انتخاب نه تنها تماشاها کاهش نخواهد یافت بلکه هر چه بیشتر با این اختلافات دامن زده و آنرا تشدید خواهد کرد.

آنچه پس از قیام تا کنون شاهد آن بوده ایم افزایش مداوم نفوذ حزب جمهوری اسلامی در ارگان های قدرت دولتی و تشدید تضادهای دو جناح اصلی هیئت حاکمه بوده است. حزب جمهوری اسلامی که در تلاش برکناری "لیبرال ها" از بقیه در صفحه ۲

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد و سیاستهای خائنانه حزب توده

در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، سر انجام ارتجاع سلطنتی و امپریالیسم که از گسترش و قدرت گیری روز افزون مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران بوحشت مرگ افتاده بودند، طی یک نقشه از پیش تعیین شده، توسط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و فرماندهان ارتش و عوامل دربار ضد حمله نهائی خود را علیه جنبش توده ای آغاز کردند. در صبح ۲۸ مرداد، تهران ناگهان شاهد حرکات و تظاهرات فواحتر و ازل و اوباش برهبری

شعبان بی مخ معروف با حمایت شهربانی و گارد "شاهنشاهی" شد که با شعارهایی به طرفداری از شاه فراری و علیه دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت به سوی میدانهای اصلی شهر روان بودند. کودتای ننگین ۲۸ مرداد در شرایطی آغاز شد که نیروهای ضد انقلاب، از فرصتهائی که رهبران جنبش توده ای با آنان داده بودند، حداکثر استفاده را کرده و با گورد آوری، سازماندهی و متمرکز کردن قوای خویش، آماده بودند تا ضربات

قطعی و مهلک خود را بر پیکر جنبش ملی وارد آورند. برای اینکار راهدی مجری اصلی کودتای امپریالیستی، بانکیه بر ارتش ضد خلقی، که بظاهر در خدمت سیاست ملی دکتر محمد مصدق قرار داشت، برای سرنگونی حکومت ملی و نابودی جنبش انقلابی وارد عمل شد. ارتش و شهربانی بیورش گسترده و همه جانبه ای را شروع کردند. از یک سو بازداشت رهبران جنبش و از سوی دیگر انهدام سازمانهای توده ای و بقیه در صفحه ۱۰

زحمتکشان

و مسائلهای بنام مسکن

در صفحه ۵

در این شماره:

نامه يك کارگر بارانداز

اخبار کارگری

مبارزه با فحشا... از کدام سو؟!

پاسخ به سئوالات

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۶)

ایور توئیستها و جنبش ۴۰ ساعت کار در هفته

در صفحه ۳

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

بحران درونی هیئت حاکمه

و ...

قدرت و اعمال سلطه بی رقیب خویش است با انتخاب رجائی بعنوان نخست وزیر گام جدیدی در جهت بدست گرفتن اهرهای قدرت دولتی به پیش برداشت و در صد است تا بتدریج همه ارگان های قدرت دولتی را در اختیار بگیرد.

بدون شبه قدرت گرفتن حزب جمهوری اسلامی که طرفدار سیاست سرکوب قهرآمیز خلق های تحت سنم، سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان، انحلال سازمان های مترقی و انقلابی، تصفیه نیروهای انقلابی از ادارات و مدارس، محدودیت زنان، حمایت از چماق داران و گروه های فالانژ و غیره می باشد جو تشنج را در جامعه افزایش داده و موجب درگیری های حادی خواهد گشت.

این حزب هر چند تا کنون توانسته است در جهت اعمال سلطه بی رقیب خویش گام هایی به پیش بردارد اما قادر نخواهد بود این سیاست را همچنان دنبال کند و با مشکلات و مسائل بی شماری روبرو خواهد گردید. ادامه این سیاست از یکسو بحران بین "بالائی" ها را دامن زده و تضاد های درونی حزب را تشدید خواهد کرد و از سوی دیگر درگیری های حادی را در جامعه موجب خواهد گردید.

حزب جمهوری اسلامی بعنوان جناحی از بورژوازی متوسط، توان اجتماعی لازم برای بدست گرفتن و حفظ سلطه انحصاری خویش را بردولت ندارد و ناچاره تقسیم قدرت با دیگر جناح های بورژوازی هیئت حاکمه است. خواست حزب برای تمرکز قدرت در دست خویش با واقعیات موجود در تضاد قرار دارد و بحران سیاسی و اقتصادی را تشدید خواهد کرد.

این حزب بنا به ماهیت و ترکیب طبقاتی اش و با توجه به سطح رشد مبارزه طبقاتی، حتی قادر به پیشبرد سیاست سرکوب متمرکز نیروهای انقلابی و خلق های تحت سنم و کارگران و زحمتکشان نیز نمی باشد. اعمال این سیاست ها پایگاه توده ای حزب را هر روز ضعیف تر کرده و تضادهای درونی آنرا تشدید خواهد نمود.

هم اکنون نشانه های از رشد تضادهای درونی حزب بچشم می خورد، این تضادها حتی در رهبری حزب نیز نمود یافته است. این حزب، حزبی است خلق الساعه که در مدت زمان کوتاهی با منتسب کردن خود به خمینی و سودجستن از محبوبیت و نفوذی در میان مردم ما توانست نیروی توده ای وسیعی را حول خود جمع نماید. این حزب فاقد سابقه مبارزاتی، تشکیلات منسجم و حتی برنامه مشخص تدوین شده است.

مضمون طبقاتی سیاستی که حزب بنام دفاع از اسلام پیش میبرد و در خط کلی دفاع از منافع بورژوازی متوسط می باشد، چهره واقعی حزب را هر روز بیشتر عیان

بقیه از صفحه ۱

نموده و ماهیت آنرا برای توده ها آشکار خواهد ساخت.

این حزب از آنجا که حفظ و بازسازی مناسبات ضربه خورده سرمایه داری وابسته را هدف قرار داده است نه تنها قادر نیست بحران کنونی را حل نماید، بلکه با زو ش هایی که در پیش گرفته است به بحران سیاسی نیز دامن خواهد زد. کابینه آئینده که حزب جمهوری اسلامی نقش اصلی را در آن ایفا خواهد نمود هم بلحاظ فقدان برنامه مشخص و هم بدلیل درگیری های جاری سیاسی جمهوری و جناح "لیبرال ها" بحران شدید تر خواهد کرد.

کابینه آئینده که دفاع از منافع سرمایه داران و زمینداران را در سرلوحه برنامه خویش قرار خواهد داد دانه میتواند مساله گرانی، بیکاری، مسکن، تورم و غیره را حل کند و نه سلطه امپریالیسم را در ایران براندازد. سیاست اخراج نیروهای انقلابی و مترقی که رجائی در آموزش و پرورش با اجرا در آورد و حتی گرمانی در نامه سرگشاده خود به نخست وزیر از آن بنام سیاست "دفع" نیروها یا دگرداگرد این بار در ابعادی وسیع تر با اجرا گذاشته خواهد شد.

تمام این عوامل بحران اقتصادی و سیاسی را تشدید کرده و برفروخ خانه خرابی توده ها خواهد افزود و دهر روز نا رضایتی آنها را از وضع موجود گسترش خواهد داد.

توده ها که پس از گذشت یکسال و نیم از قیام بهمن ماه به هیچکدام از خواسته های واقعی خویش نرسیده اند به اقدامات حکومت بانا باوری و شک و تردید می نگرند و به تدریج اعتماد آنها را نه شان به هیئت حاکمه به عدم اعتماد تبدیل می گردد.

در این میان ارتجاعی ترین محافظان وابسته به سرمایه داران بزرگ تلاش میکنند تا توده ها را از روی آوردن به مبارزه انقلابی منحرف کرده و نا رضایتی آنان را در مسیرهای انحرافی سوق دهند و در جهت برقراری حاکمیت خویش بکار گیرند.

بختیای این عامل سرسپرده امپریالیسم و سایر همپالانگی های پیش با سودجستن از آرزوهای و دیگر امکاناتی که امپریالیست ها در اختیارشان قرار داده اند، تبلیغات گسترده ای را آغاز کرده اند و به هر وسیله و روشی حتی کودتا متوسل میشوند تا دوباره سرکار آیند.

در چنین شرایطی، افشای بی امان ماهیت ارتجاعی این نوکران و ایامپریالیسم جهت جلوگیری از به انحراف کشانده شدن مبارزات توده ها و جلوگیری از استقرار مجدد حاکمیت ارتجاعی ترین محافظان وابسته به سرمایه داران بزرگ همراه با زدودن توهمات توده ها نسبت به حاکمیت کنونی و توضیح ماهیت واقعی آن، وظیفه هر مبارکسیست. لنینیست و هر نیروی انقلابی و مترقی است

کمکهای مالی دریافت شده

رفقا، دوستان، هواداران! سازمان همیشه با اتکا به کمکهای مالی شما توانسته در راه انجام وظایف انقلابی خودگام بردارد. کمک های خود را از راه های مطمئنی که میشناسید به سازمان برسانید و حتما برای خود کدویک حرف الفبا انتخاب کنید و اگر

بعد از سه هفته "کدب مبلغ" چاپ نشد

بما تذکر بدهید.

۱۱۰۳	۵۰۶۵۲		
۱۳۱۴	۲۰۱۱	۱۵۰۵	۱۳۱۰
۱۵۸۱	۱۲۷۵	۲۰۳۳۳	
۴۲۷۴۸	۵۰۲۵	۲۷۸۵	الف
۲۵۰۳	۵۲۰۵	۲۱۳۳	۲۰۱۹۰
۱۲۲۲	۶۶۱	۱۰۱۱۸	۵۵۵۵
۲۲۳۹	۶۵۳۰۹		۷۰۶۰
۲۲۹۵	۲۳۳۳	۱۳۵۲	۳۱۲۰
۱۶۴۰		۹۰۶۰	۴۱۲۳
۵۲۳۶	۱۰۲۲۲	۷۸۵	۵۲۲
۲۳۹	۱۲۸۳۳	۱۰۱۱۱	۱۰۵۰
۱۳۵۰	۱۰۱۱۱	۳۱۵۵	۱۰۱۰
۱۱۱۱	۱۱۴۷		۲۲۳۴
۱۰۲۸	۲۹۷۵	۳۰۲۵	۱۳۴۹
۱۳۳۰۰	۲۵۹۱	۳۳۳۳	۲۳۱۱
۲۰۰۵		۲۱۱۱	۳۰۸۴
۲۳۷۶	۳۱۷۷۳	۵۹۰۷	۵۰۵۰
۵۲۶۰		۱۰۲۳۵	۱۶۱۱
۹۹۹۹	۲۰۲۰		۱۵۹۹۹
		۳۴۳۴	۱۱۵۰
۸۴۱۴	۱۰۰۴۴۴	۴۲۱۲	پ
۳۲۸۴	۳۰۳۰	۲۱۱۱	۱۶۱۸
۵۰۴۹	۲۰۴۰۰	۲۵۳۵	۶۰۰۴
	۵۱۲۳	۱۶۱۱	۷۷۷۷
۵۰۱۱۱	۳۱۲۲	۱۰۳۵	۲۰۱۱
۴۰۴۰			ت
	۱۶۲۰	۲۱۱۸	۲۸۳۵
		۱۸۲۰	۵۰۹۶
رفقای مازندران		۱۱۵۰	۲۲۰۰
ح- ۲۲۲۲		۵۳۴۹	۱۰۵۴۱
۲۵ الفامانت		۳۱۱۱	۶۵۶۵
شمار رسید		۲۳۱۵	۵۲۳۳
		۱۵۳۳۳	۵۰۰۰



استقلال - کار - مسکن - آزادی

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۶)

اپورتونیستها و جنبش ۴۰ ساعت کار در هفته

از بارزترین خصوصیات این مرحله جنبش کارگری (متاثر از جنبش خلق) پیشی گرفتن چشمگیر آن از جنبش کمونیستی بود.

تبلیغات وسیع ضد امپریالیستی نیروهای انقلابی و مترقی (حتی از طریق رسانه های گروهی هیئت حاکمه) در این دوره تا شیرزادی بر آنها گذاشت و این را بمراتب افزایش داد و جنبش کمونیستی را سردرگم و گیج و در خود فرو رفته، بجا گذاشت تا "به تحکیم اصول" بپردازد و تکلیفش را با "سوسیال امپریالیسم" روشن کند (!).

این جنبش که مسلما بطاعت نبود رهبری کمونیستی نمی توانست اساس پایگاه امپریالیسم را زیر ضربه قرار دهد، وسعت چشمگیری یافته بود. کارگران که در طول قیام غالباً بصورت فردی در میان توده مردم، در نظاهرات شرکت میکردند این بار در صفوفی مجزا، با پلاکاردهایی که بیان کنند حداقل آگاهی طبقاتی (خود بخودی، غریب آنان) و غالباً تبعیت و دنباله روی از حاکمیت بود، بتظاهرات می پیوستند و حتی در مواردی چند به تنهایی خیا بانهای شهر را قرق می کردند (تظاهرات کارگران واحدهای تابعه اتحادیه گسترش صنایع که خود از معدود تشکیلات سرتاسری جامعه ما بود. تظاهرات کارگران بدعوت کانون شوراها و کانون هماهنگی شوراها و غیره بطرف لانه جاسوسی آمریکا) او جگیری و گسترش مبارزه کارگران از یکطرف و نبود سازمان سیاسی سرتاسری که بتواند این مبارزه سرتاسری کند و بدان خصلتی طبقاتی بدهد موجب آن شد که مبارزه همچنان پراکنده و محدود بماند و بندرت بعدی وسیع و سرتاسری بیابد. (درین جا منظور دعوت به راهپیمایی و

میتینگ از طرف حاکمیت نیست چه آنها عموماً سرتاسری و وسیع بودند بلکه منظور آن حرکات و اعتراضاتی است که کارگران بطور خود بخودی و غریزی و در جهت تامین منافع طبقاتی خود انجام میدادند. بعنوان مثال از مصادره ملی کردن، حسابرسی و پرداخت سود ویژه، اجرای چهل ساعت کار و غیره میتوان نام برد).

در شماره قبل دیدیم که چگونه پرولتاریای پیشرو واحد های صنعتی و استراتژیک (نفت و غیره) ظرفیت فوق العاده بالای مبارزاتی خود را با مصادره ملی کردن سرمایه های امپریالیستی و وابسته و اداره آن توسط شورای کارگری بنمایش گذاشتند. اکنون به موردی دیگر میپردازیم و در ضمن آن نشان میدهم که چگونه عقب ماندگی جنبش کمونیستی از یکطرف و بروز اولین نشانه های اپورتونیسم راست در عمل در بزرگترین سازمان کمونیستی و محور جنبش کمونیستی ایران (چهار پورتونیسم تئوری خود را در کار ۲۵ و در پی اشغال سفارت بعین نشان داده بود) جنبش طبقه کارگر رانه تنها ارتقا نداد بلکه جلورش و گسترش آن را گرفت و بعبارت دیگر آن را به قهر آورد.

موردی که درین شماره بدان می پردازیم جنبش چهل ساعت کار در هفته است.

پس از تهاجم بکردستان و فتوای مکرر خمینی و دستورها و بخشنامه های دولت دال بر افزایش کار حتی بیش از چهل و هشت ساعت بخاطر مبارزندی بعد از انقلاب و جبران صدمات وارد متوسط دولت شاه، موقتاً خواست چهل ساعت کار در هفته (که در اوایل مرداد ماه ابعدی چشمگیری یافته بود) رو با قول رفت و حتی در پاره ای از واحدها که در اثر سالها مبارزه تعطیل پنجشنبه ها و کار هفتگی چهل ساعت را بدست آورده

بودند (نفت) مجدداً کار هفتگی به ۴۸ ساعت افزایش یافت.

کارگران پیشرو و مبارز و بالاخص نفتگران از همان آغاز در مقابل افزایش ساعات کار مقاومت کردند اما تسلط ذهنیت خرده بورژوازی و اعتماد نا آگاهانه به حاکمیت و رهبری موجب آن شد که ضمن اجرای موقت آن (آنهم نه در همه بخشها بلکه در اغلب آنها از جمله در تاسیسات نفت تهران) بدولت هشدار دادند که در صورت عدم پذیرش چهل ساعت کار در هفته در پایان مهلت یکماهه خود مجدداً آنرا با جرارد می آورند. در همین رابطه بود که آقای معین فر در بیستم آبانماه در نامه بی خطاب به "همکاران گرامی در صنعت نفت" اجرای مصوبه دولت را ضمن طرح امکان بررسی ورد آن خواست.

"اخیراً اعلامیه ای با امضا هائی تحت عنوان شورا های کارکنان ویا شورا های موقت صنعت نفت بتاريخ ۵۸/۸/۱۶ تکثیر گردیده است که در مورد ساعات کار در صنعت نفت تصمیماتی را اعلام فرموده اند. بطوریکه همکاران عزیز ملاحظه میفرمائید در حال حاضر مجوزی برای تغییر ساعات کار که از طرف دولت قبلی اعلام شده است موجود نیست و مادام که تصمیم جدید اتخاذ نشده است مصوبه قبلی بقوت خود باقی می باشد. البته لازم بتذکر است که گروه های کثیر از همکاران و خصوصاً جامع اسلامی کارکنان صنعت نفت ضمن اعلام نظریه های اصلاحی خود (و حتی عدم موافقت با حذف تعطیل ۵شنبه ها) از نظروفاداری با انقلاب اعلام داشته اند ما دام که از مجرای قانونی تغییری در مصوبه داده نشده، خود را ملزم به رعایت تصمیم دولت دانسته و پنجشنبه ها را تعطیل نخواهند کرد..."

بدیهی است که در اس موعده مقرر دولت اقدامی درین جهت نکرد و شورا های کارکنان نفت چهل ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه ها را با جراد آورند. جنبش چهل ساعت کار درین دور ما بعدی وسیع پیدا کرده بود از جمله در بیش از ۱۵ کارخانه بزرگ گیلان، بیش از ۵ کارخانه شهر صنعتی البرز، در چند کارخانه تبریز و دیگر قطب های تولیدی و کارگری نیز کارگران اقدام با اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته کردند. دیگر اکنون جنبش خود پیوی طبقه کارگر، حدود مرز واحدهای پراکنده را ترک کرده بود و بعین زمینها و امکان گسترش یکپارچگی و طبقاتی شدن را نشان میداد.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بحثی درون سازمانی حول لزوم گسترش و ارتقاء جنبش ۴۰ ساعت کار در سازمان آغاز گردید پیشنها شد که اولاً با یکار بستن دستاوردهای دو کنفرانس قبلی که توسط کمیته کارگری سازمان تدارک دیده شده بود زمینه های برگزاری سومین کنفرانس فراهم گردد تا حد اکثر کارگران پیشرو در آن جلسه جمع شوند و پس از ارزیابی وضعیت جنبش و برنامه ها حدی برای اجرای هماهنگ و همزمان آن در کلیه واحدهای دیده شده بود زمینه های برگزاری سومین کنفرانس فراهم گردد تا حد اکثر کارگران پیشرو در آن جلسه جمع شوند و پس از ارزیابی وضعیت جنبش، برنامه واحدی برای اجرای هماهنگ و همزمان در آن کلیه واحدهای که در آنجا حضور فعال داشتیم ریخته شود و سازماندهی مناسب جهت پیاده کردن آن فراهم شود. ثانیاً مقالاتی جهت تبلیغ و ترویج ایده ۴۰ ساعت کار در هفته نوشته و در "کار" چاپ شود.

اما هنوز از اولین اقدامات جهت تدارک برای اجرای برنامه ریزی تصویب شده چیزی

نگذشته بود که ایده های خرده اپورتونیستی (تزلزل و تردید و بیحوصلگی و غیره) اذهان برنامه ریزان (بظا هر مرکزیت کارگری) را فرا گرفت و سیاست "عدم تضعیف حاکمیت ضد امپریالیست" (!) جایگزین گسترش و بوسیله مبارزه طبقاتی گردید، کارگران پیشرو دعوت به آرامش شدند و از آنها خواسته شد که بکوشند این مبارزات را تخفیف دهند و بجای آن کارگران را بمبارزه ضد امپریالیستی بکشانند (!).

تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل. بایستی اضافه کنیم که علاوه بر ارتقاء ذهنیتها بطور شفاهی، همان مرکزیت نه تنها تدوین مقالاتی تبلیغی درین مورد را یکی رد کرد بلکه چاپ مقالاتی ترویجی در مورد لزوم کاهش ساعات کار کارگران را نیز جایز ندانست و با این اوصاف نه تنها کمکی به ارتقاء مبارزه کارگران نکرد بلکه آن را بقهرا کشانید.

اما علیرغم همهمه این تلاشها جهت مهار کردن مبارزه طبقاتی (توسط حاکمیت و اپورتونیستها) مبارزه برای کسب چهل ساعت کار در هفته همچنان بالا گرفت که شورای انقلاب در تاریخ ۱۷ دیماه قانچهل ساعت کار در هفته را تصویب کرد. بگذریم از اینکه وزارت کار بلافاصله اعلام کرد که این قانون شامل حال همه کارگران نمی شود و فقط استخدام شدگان دولتی را در بر میگیرد. در واقع دولت برای اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در واحدهای بزرگ (نفت، برق، آب و غیره) بناچار صحنه گذاشت و با زهم این نظریه اثبات شد که فرمها محصول فرعی مبارزه طبقاتی پرولتاریا هستند نه لطف طبقات حاکمونه محصول کرنش در مقابل آنها.



رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

اخبار کارگری

کارگران شرکت "پاکسان" خواهان

دریافت سود ویژه هستند

کارگران شب کار شرکت پاکسان روز هفتم مرداد ماه برای دریافت سود ویژه خود جلوشرکت دست به اعتراض زدند. مدیریت شرکت گفت این مسئله به نمایندگی صنایع و معادن مربوط است، در تانی اگر به تمام گروه بدهیم، به شما هم میدهم.

در همان روزها قانون "لغو سود ویژه" از تصویب شورای انقلاب گذشت اما کارگران که بامید گرفتن سود ویژه یعنی بخشی از دستمزد خود روی آن حساب کرده بودند و میخواستند با آن مقداری از قرضهای خود را بپردازند دست از مبارزه بر

نداشتند. مساله مهم این بود که انجمن اسلامی شرکت هم برای کسب حیثیت میگفت سود ویژه باید پرداخت شود اما کارگران که انجمن اسلامی را سازمان سیاسی خود نمیدانند را سادست به اقدام زدند و بطور جمعی به اتاق مدیر عامل رفتند و خواستار سود ویژه شدند. مدیر عامل که فکر میکرد با استناد به قانون شورای انقلاب میتواند کارگران را از گرفتن حق خود منصرف کند گفت این تصمیم دولت و شورای انقلاب است. اما کارگران گفتند ما شورای انقلاب را نمیشناسیم، ما کار کرده ایم، تولید بیشتر کرده ایم و باید سود

بگیریم. مهندس میگوید ماضی را کرده ایم، مواد اولیه گران شده است. کارگران گفتند شما هم محصول را گران کرده اید. کارگران گفتند بهر حال ما تولید را نمی خواهیم و بی جلوب خروج محصول را از کارخانه میگیریم.

مدیر عامل شرکت بعد از مذاکره با وزارت کار گفت قرار شده به کارگران یکماه پاداش داده شود. کارگران گفتند ما فعلا این را قبول میکنیم ولی آخر سال هم باید سود ویژه پرداخت شود، سود ویژه حق ماست و ما از آن نمیگذریم.

مبارزات کارگران فصلی دخیانیت ارومیه برای دائمی شدن

مسئولین شرکت دخیانیت ارومیه اقدام به اخراج کارگران فصلی کردند که با مقاومت قهرمانانه کارگران روبرو شد.

کارگران فصلی کارخانه دخیانیت ارومیه از سالهای پیش به منظور دائمی شدن مبارزه کرده اند. مبارزات کارگران دخیانیت در رژیم منفور پهلوی همواره توسط ساواک و پلیس سرکوب می شد و کارگران مبارز گرفتار شکنجه و زندان آریامهری می شدند، نمونه

برجسته مبارزات کارگران فصلی دخیانیت ارومیه، راهپیمایی بهار ۱۳۵۵ است.

مبارزات کارگران فصلی برای دائمی شدن، هنوز، در جمهوری اسلامی هم ادامه دارد و این در حالی است که مسئولان کارخانه می خواهند آنها را اخراج کنند و نمایندگان شان را در کمیته مورد آزار و اذیت قرار میدهند.

در پی اخراج دسته جمعی کارگران دخیانیت ارومیه،

کارگران مدیر کل دخیانیت را به گروگان می گیرند و با مقاومت و یکپارچگی، پاسداران را از کارخانه اخراج می کنند. کارگران پس از این گروگانگیری، با نمایندگان دخیانیت و مقامات مسئول محلی مذاکره کردند و قرار بر این شد که کارگران در ایام بیکاری وام دریافت کنند و در آینده یک دستگاه سیگار پیچی در ارومیه کار گذاشته شود تا کارگران اخراجی به کار مداوم گمارد شوند.

★ مبارزه کارکنان شرکت اف-آی-سی برای گرفتن حقوق مانده و بازگشت به کار عقب

کارگران و کارمندان شرکت اف-آی-سی، پیمانکار شرکت مخابرات، به منظور دریافت حقوق خود، در برابر ساختمان این شرکت متحصن شدند.

این شرکت ۹۰۸ کارگر و کارمند دارد که بدنه آنهاست به علت توقف و بیکاری، حقوقی دریافت نکرده اند. یکی از نمایندگان متحصنین می گفت: "ما شبانه روز فعالیت کردیم تا مشکلی در امر مخابرات بروز نکند و از اموال این شرکت که میلیارد ها تومان ارزش دارد محافظت کردیم، اما کار شرکت را متوقف کرده اند و حقوق ما را هم نمی دهند. از مدت ها قبل با مسئولان شرکت، دفتر ریاست جمهوری و دادستانی کل انقلاب و دفاتر امام در مورد این خواست به حق خود در تماس بوده ایم ولی به رغم قولها تا یک هفته مانده بودند، هیچگونه اقدامی نکردند بلکه از ما می خواهند تقاضای استعفا کنیم در حالی که این شرکت کارهای زیادی دارد که کشور سخت به آنها نیازمند است. یکی دیگر از نمایندگان متحصنین می گفت: "از بهمن ماه سال گذشته که شورای کارکنان این شرکت برای احقاق حقوق و پیشبرد کار تشکیل شد، مخالفت ها و سنگ اندازی ها از سوی مسئولان شرکت شروع شد و الان هم مدت ها است که شرکت بیکار مانده و صد ها کارمند و تکنیسین با خانواده هایشان بی خرجی مانده اند." شرکت اف-آی-سی، سه سال ونیم قبل، با سرمایه گذاری معادل یکصد هزار تومان و ۵ درصد سهام، توسط دو امریکائی و محمدوبهمین با تمنا نقلیچ و میرزا ثیابنس تاسیس شد و اولین پروژه را معادل ۲/۵ میلیارد تومان از

شرکت مخابرات گرفت که ۷۲٪ این مبلغ مربوط به خرید کابل و سایر لوازم بود و ۲۸ درصد دیگر مربوط به کارمزد می شد. حال این میلیارد ها لوازم بدون استفاده مانده است.

کارکنان می گویند که شرکت اف-آی-سی زیر پوشش شرکت مخابرات در آید تا ما بتوانیم به کار ادامه دهیم و اگر واقعا "مسئولان تشخیص دادند که نیازی به این شرکت مجهز نیست، کلیه حق و حقوق ما را محاسبه کنند و به ما بپردازند. در مقابل وزیر پست و تلگراف و تلفن، اظهار داشته است: "چون کار قابل قبولی از سوی شرکت اف-آی-سی ارائه نشده، مسئولیتی در برابر کارکنان این شرکت نداریم، ما تنها در برابر کاری که طبق پیمان، شرکت اف-آی-سی به مخابرات تحویل دهد پول پرداخت خواهد کرد." و بنا بر گفته یکی از مسئولان شرکت و بنیاد مستضعفان، در ماه گذشته، هیچگونه کاری از سوی شرکت ارائه نشده است.

باین ترتیب، سرنوشت شرکت و کارکنان آن در لابلای روابط بوروکراتیک بیناد مستضعفان و شرکت مخابرات سرگردان است. مسئولان شرکت وزیر پست و تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی، بسادگی و بی آنکه به هزینه زندگی ۹۰۸ کارگر و کارمند و تکنیسین و خانواده های آنها توجه داشته باشند، با استناد به قوانین و مقررات سرمایه داران، خود را از این مسئولیت خلاص میکنند. اما کارکنان شرکت اف-آی-سی، برای گرفتن حقوق عقب مانده و تعیین تکلیف خود، مبارزه شان را ادامه می دهند.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید



سود ویژه، که قسمتی از دستمزد کارگران است، باید پرداخت گردد

زحمتکشان و مسائلهای بنام مسکن



در تمام کشور فقط ۵۰ درصد خانه‌های شهری برق و ۴۰ درصد آب لوله‌کشی دارند و این نسبت در روستاها به ۱۲ درصد و ۹ درصد میرسد

هم هست. مساحت خانه‌ها آنقدر است که هیچ‌گاه بنظر صاحبانشان نمی‌آید که ممکن است در گوشه‌های از دنیا! در هنگام خوابیدن جای غلتیدن هم نباشد.

مشکل مسکن یکی از عواملی بود که باعث شد نطفه‌های اولیه اعتراض توده‌ها بر ضد رژیم سفاک پهلوی بسته شود. یورش جلادان رژیم و تخریب الونک‌های "حاشیه‌نشینان شهری"، درست در زمانی که در زمینهای خارج از محدوده "شهرک‌های بزرگ سرمایه‌داران سر بفلک می‌کشید، طفیان خشم توده‌ها را بدنبال داشت. جرقه‌های خشم سوزان حاشیه‌نشینان شهری که بعد ها به شعله‌ای جانانه بدل شد آغازی بود بر سیل بنیان‌کن توده‌ها که طومار پهلوی را در هم نوردید. مسکن یکی از خواسته‌های اساسی و برحق توده‌ها بود.

پس از گذشت یکسال و اندی از قیام به عین‌شاه هدیم که مشکل مسکن برای کارگران و زحمتکشان به قوت خود باقیست. اجاره‌دواناق (۱۰ متر مربع) تاریک و بدون نور و کم‌نور کشیده با دیوارهای خراب در محله‌خانه ۹۰۰ تومان است. زن زحمتکشی در دردت می‌گفت "والله برای ماهیچ کاری که نکردند هیچ حالا دارند خانه‌های ما را هم خراب میکنند. این کمیته اینجاروزی نیست که ۲ تا سه خانه را خراب نکند. ماهم اربی خانگی مجبوریم برویم خانه‌های سنگ سفید را بگیریم". این زن زحمتکش بچه ۱۲ ساله اش را در ۱۷ شهریور از دست داده بود!

دولت جمهوری اسلامی هر روز با ما نوری جدید و نریبی نوین سعی در سرپوش نهادن بر این دیو خانمان برانداز و ساکت نگهداشتن توده‌ها دارد. بعد از آنکه حرکت انقلابی توده‌ها در مصارحه مسکن سرطیه‌داران به "صدرنشینان" ثابت کرد که حداقل قسمتی از انقلاب توده‌ها نیز برای "خریزه" (بخوان کار و مسکن) بوده است، و پس از آنکه برای دولتیان روشن شد که فشار واقعیات، فشار بی‌خانمانی و نداشتن سرپناه، در اندک مدت هر ذهنیتی را در هم خواهد شکست، روز بروز شاهد گشایش دفاتر و بنیادهای بیشتر و وجدیدتری در رابطه با مساله مسکن و وعده‌های ذهن پرکن تری از جانب دولت جمهوری اسلامی هستیم. ولی باز هم واقعیات، شواهد عینی و آمارها (هر چند ماخذ آنها خود دولت باشد) نشان می‌دهد که غول مسکن هنوز سلطه‌گرمشکن خود را بر توده‌های زحمتکش اعمال میکند.

بقیه در صفحه ۶

دیگر سرمایه‌داران و اقشار مرفه‌خرد می‌روژوازی در مسکنی اشرافی و افسانه‌ای به زندگی کثیف خود ادامه می‌دهند. یک خانه "معمولی" در شهرک غرب تهران دارای زمینی به مساحت ۸۰۰ متر مربع با اتاق خواب، حمام، انبار، آشپزخانه، سرویس کامل، استخر، اتاق بازی و... می‌باشد که در عین حال عموماً فضاهای "تفنی" چون حوضخانه و سالن بیلیارد و... نیز به آن ضمیمه است. این دو نوع متفاوت مسکن که نمودی است از تبلور دو قطب متضاد کاپوسرما به در چهره شهرها بخوبی خود را نشان می‌دهد. در جنوب شهر در کوچه‌های تنگ و کثیف و حاکی با جویهای پر از لجن، خانه‌هایی محقر، از پست‌ترین مصالح ساختمانی که عموماً "در حال فرو ریختن" نظری آید، چون قوطی‌های کبریت در کنار یکدیگر چیده شده و در میان آنها انسانها در اتاقهای تنگ و تاریک با وسایلی محقر در هم می‌لولند. در حاشیه‌های کناری شهر وضع از این نیز اسفناک‌تر است. شهر حلب از دور مانند تل بزرگی از آشغال و کلوخ دیده می‌شود، توده‌سایه‌ای که به روی هم انباشته شده، جلوتر که می‌روی کم کم مشخص می‌شود که در این جا انسانهایی زندگی می‌کنند. آب این مردم به وسیله یک جوی که از کنار محله می‌گذرد تا می‌رسد به پیتنهای خالی که با گل بهم چسبیده، حصارهایی که روی آن گل و نیلون کشیده‌اند، تلفیقی از چوب و سنگ وحلی و... در این خانه‌ها زحمتکش‌ترین و رنج‌دیده‌ترین توده‌های مردم زندگی می‌کنند. توده‌هایی که تنها نیروی کار آنها و شوره زحمت آنها چرخهای جامعه را حرکت در آورده است. طبق نتایج آمارگیری از ساختمانهای روستایی کشور در سال ۵۳ - ۶۷٪ خانه‌های روستایی موجود از مصالح کم دوام ساخته شده است و طبق آمار سال ۵۵ (سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۵۵) بیش از ۵٪ خانه‌های مسکونی موجود در کل کشور دارای برق نیستند و فقط حدود ۴٪ از خانه‌های موجود آب لوله‌کشی دارند این نسبت در روستاها بسیار هولناک‌تر است یعنی فقط ۱۲٪ خانه‌های مسکونی روستاها دارای برق و ۹٪ آنها دارای آب لوله‌می‌باشند. (آمار رسمی) در سوی دیگر، بر روی دوش این توده رنج‌دیده، در شمال شهر در کوچه‌های عریض و پدیدرخت با هوایی تازه و جویهایی پر از آب زلال، کاخها، قصرها و خانه‌های وسیع در کنار آپارتمانهای عریض و طویل و مجموعه‌های مسکونی قرار دارند. خانه‌ها از بهترین مصالح و هر یک با سبکی متفاوت از دیگری ساخته شده، هر کدام از خانه‌ها علاوه بر اتاقهای متعدد، دارای فضای سبز و گلکاری و احتمالاً "استخر و امکانات دیگر

"این به اصطلاح تنگنای مسکن... تنها در این نهفته نیست که طبقه کارگر اصولاً "در مسکن بند آکنده" از آدمها و ناسالم زندگی میکند. این گونه تنگنای مسکن نه ویژه عصر کنونی است و نه حتی یکی از مصائبی است که پرولتاریای امروز را از دیگر طبقات زحمتکش پیشین متمایز نماید. برعکس این مصیبت تقریباً بطور یکسانی در انگیز همه طبقات زحمتکش در تمام دورانهای تاریخی بوده است. برای پایمان بخشی به این گونه تنگنای مسکن تنها بگرد وجود دارد. استثمار و سرکوب طبقه کارگر توسط سلیقه طبقات حاکم را اصولاً "زمیان برداشتن".

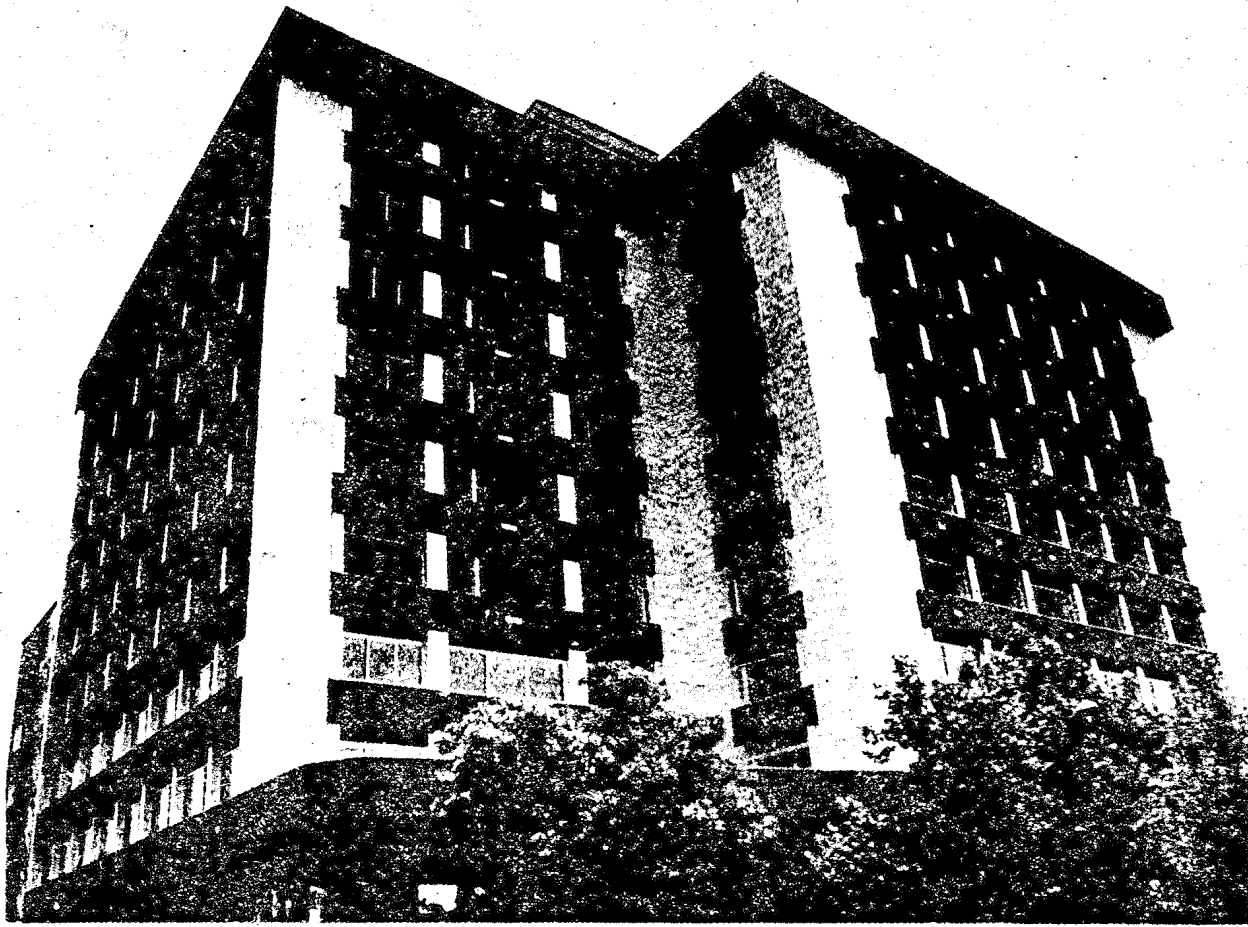
آنچه تا امروز تحت عنوان تنگنای مسکن فهمیده می‌شود عبارت است از وخیم تر شدن شرایط مسکونی بدکارگران بدنبال هجوم ناگهانی جمعیت به شهرهای بزرگ، افزایش هنگفت اجاره بها، تراکم بازم بیشتر ساکنان در هر خانه و برای عده‌ای عدم امکان یافتن هرگونه مسکنی و این گونه تنگنای مسکن صرفاً "از این رو و سودای بسیار بیاگرده که تنها به طبقه کارگر محدود نشده بلکه در انگیز حیرت‌آور و رواجی هم شده است."

انگلس - درباره مساله مسکن



یکی از مهمترین مسائل کدکارگران و زحمتکشان و اقشار پایینی طبقه متوسط را همواره تحت فشار قرار میدهد مشکل مسکن است. کارگران و زحمتکشان ما همواره بخش قابل توجهی از درآمدنا چیز خود را برای بدست آوردن حداقل سرپناه - سرپناهی که نه آنها را از سرمای زمستان محفوظ میدارد و نه از گرمای تابستان - میپردازند. زن زحمتکشی در دروازه غار می‌گفت "شش نفریم نوی یک اتاق زندگی میکنیم، زمستانها هم سقف چکه بی‌کندهم بعضی وقتها از زمین آب بیرون میزنند، فقط یک شیر آب نوی حیاط هست که همه عخانواری که توی این خونه هستن از اون استفاده می‌کنن (خانه ۱۷ اتاق حدوداً ۳×۴ متر داشت) تسهانون بیار خانواد همسر است که هفته‌ای ۴۰ تومان پول میگیره و ما باید ماهانه ۴۵ تومان کرایه این اتاق را بدهیم" زندگی زحمتکشان همواره در بدترین شرایط ممکن و با حداقل وسایل و امکانات میگذرد. زندگی یک خانوار عنقرض در یک اتاق ۳×۴ بدون آب لوله‌کشی و با برق ساعتی که از موتور برق تهیه میشود یکی از شرایط "عادی" زندگی در محله‌هایی چون زورآباد کرج و یادروازه غار است. از طرف

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



زحمتکشان و مسئله‌ای بنام مسکن

بقیه از صفحه ۵

امروزه مشکل یا "تنگنای مسکن" به معنی هر چه بیشتر متر اکم شدن خانوارهای زحمتکش در خانه‌های محقر و در عین حال عدم دستیابی عده زیادی از کارگران و زحمتکشان و توده‌های شهروروستا به حداقل مسکن می‌باشد. مسئله مسکن یکی از مسائلی است که بارشده‌یابی آن می‌تواند سیاست‌های فعلی دولت را به نقد کشیده ماهیت بورژوازی آن را به توده‌ها نشان داد.

ما در این مقاله سعی می‌کنیم تا حدی به این مساله بپردازیم.

در جوامع وابسته انحصارات جهانی سلطه خود را بر بازارهای داخلی اعمال میکنند. از طرفی با اعمال انحصار تولید در زمینه‌هایی که صنایع (مونتاژ) وجود دارد سرمایه‌گذاری خارج از حیطه عمل خود جلوگیری می‌نمایند و از سوی دیگر با ورود محصولات وارداتی ز مینر شد تولید داخلی محدود میگردد. در نتیجه سرمایه‌گذاری در تولیدات صنعتی و کشاورزی محدود گذشته و به همین دلیل مقادیر زیادی از سرمایه موجود بدنبال سود و زمین‌های برای چرخش و انباشت بسوی بخش‌های غیر صنعتی و غیر تولیدی سرازیر می‌گردد. در ایران بخشی از سرمایه حاصل از فروش نفت که پس از غارت امپریالیست‌ها در داخل کشور از کانال‌های مختلف بین سرمایه‌داران تقسیم میشود بدنبال زمینه‌های مناسبی در خارج از سیکل صنعتی و تولیدی می‌گردد تا در آنجا به چرخش درآید. از سوی دیگر سیاست برنامهریزی شده با اصلاحات ارضی در خدمت جایگزینی سیستم سرمایه‌داری وابسته، سیل عظیمی از نیروی کار آزاد شده از روستاها را به شهرها سرازیر نمود. ویرانی و نابودی روزافزون کشاورزی و پاره شدن قید و بند های فئودالی به همراه جاذبه‌های شهر بعنوان "قطب کار و پول و رفاه" مازاد نیروی کار موجود در روستا را بسوی شهرها کشید. رشد روزافزون جمعیت شهری نمایانگر این روی آوری است. طبق "سالنامه آماری کشور - سال ۵۶" میزان افزایش سالانه جمعیت بین سالهای ۵۵-۴۵ در کل کشور ۲۷٪ بوده است. این درصد رشد در مناطق شهری ۴۸٪ - در مناطق روستائی ۱۲٪ بوده که با در نظر گرفتن اختلاف ۳۶٪ رشد مناطق نسبت به مناطق روستائی، سیل جمعیت سرازیر به سوی شهرها مشخص میگردد. در عین حال طبق آمار همین سالنامه میزان شهرنشینی در سال ۴۵، ۳۸٪ و در سال ۵۵، ۴۶٪ - بوده است که بخوبی افزایش روزافزون جمعیت شهرها را نشان میدهد.

در سیستم تولیدی وابسته بخشی از نیاز مصرفی در رابطه با رشته‌های دیگر صنعتی و کشاورزی از طریق صدور کالا مرتفع میگردد و در نتیجه قدرت جذب نیروی کار چنین سیستمی بسیار کمتر از نیروی آزاد شده در روستاهاست. به همین خاطر حلقه‌های عظیمی از حاشیه نشینان شهری در کنار شهرها بخصوص پایتخت شکل گرفته بسو رعیت روبرو می‌نهد. اینها زحمتکشانی هستند که بارانده شدن از روستا به شهرها روی می‌آورند

ولی در سیکل تولید و توزیع شهری جذب نشده‌اند و بصورت مشقت‌باری در حاشیه اقتصاد شهری به زیست خود ادامه میدهند. از دیاد مشاغلی چون ماشین‌شوئی، دستفروشی، خرده‌فروشی و... بر اثر رشد این قشر از زحمتکشان شهری است.

وجود چنین خیل عظیمی از بیکاران برای سرمایه‌داران عامل "مثبتی" است زیرا با تکیه بر تقاضای روزافزون کار می‌توانند فشار را بر نیروی کار شایع افزایش داده سطح دستمزدها را تا حد امکان پایین نگه دارند ولی چنین نیروی باید "مهار" گردد و گرنه بشکل یک نیروی اجتماعی بسیار فعال روبه انفجار خواهد رفت. بهترین روش برای این عمل بکارگیری این نیرو در زمینه‌های موقت و غیر دائم است زیرا در این صورت نه تنها جنبه "مثبت" خود یعنی تهدید نیروی کار شایع را از دست نمی‌دهد بلکه در آمد مختصرش نیز بهر شد با زام مصرف کم می‌کند. در عین حال که در پروسه این کارهای موقت عدم تخصص "مطلق" و عدم آشنائیش به شهر و مسائل شهری تعدیل شده بصورت نیروی کار "مطلوب‌تری" برای جذب در کارخانه تبدیل می‌شود.

رشد سریع جمعیت شهرها و حاکمیت "فرهنگ مصرفی" عواملی است که تقاضای مسکن را بشدت افزایش میدهد. قشر خرده‌بورژوازی مدرن در سیستم سرمایه‌داری وابسته مخصوص در بخش خدمات رشد بسیار زیادی می‌نماید این قشر بعلاوه در آمد نسبتاً بالا و پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ مصرفی زمینه بسیار مناسبی را برای رشد دادن تقاضای مسکن دارا می‌باشد. بخشی از پول نفت که از کانال بوروکراسی و خدمات در بین این اقشار توزیع میگردد این زمینه مساعد را بالفعل می‌سازد و در نتیجه بازار تقاضای مسکن روز بروز "داغ‌تر" میشود.

عواملی را که در بالا بر شمرديم دست‌به‌دست هم داده تولید و عرضه مسکن را بصورت زمینه بسیار پرسودی در ایران در می‌آورد. سیل سرمایه‌های سرگردان بدنبال یافتن سود هر چه بیشتر بسوی تولید و بورس‌بازی مسکن سرازیر می‌گردد. میزان سرمایه‌ای که در بخش مسکن بکار گرفته شده طبق "گزارش اقتصادی و طراز نامه‌های بانک مرکزی در سالهای ۵۵-۵۶-۵۷" بقرار

زیر است:

سال	میلیارد ریال
۵۴	۶۰۱
۵۵	۸۹۰/۸
۵۶	۹۵۳/۶
۵۷	۱/۱۹۲/۲

این آمار بخوبی هجوم سیل سرمایه‌بر به سوی تولید مسکن نشان میدهد.

در این زمینه خیل عظیم نیروی کار به ارزانترین قیمت بکار گرفته می‌شود. جمعیت شاغل در بخش ساختمان ۲۲/۶٪ کل جمعیت شاغل کشور را تشکیل میدهد. این نسبت در شهرها به ۳۰٪ کل جمعیت شاغل شهری میرسد. تقاضای بسیار بالا و روزافزون مسکن سود کلان سرمایه‌داران را تضمین می‌نماید.

بر اثر وجود چنین شرایطی مسکن معنای اصلی خود یعنی سرپناه و مکانی برای زیستن را از دست میدهد.

مسکن تبدیل به وسیله‌ای برای کسب سود هر چه بیشتر می‌گردد. در ایران هر سال که پیش میرود نرخ تورم بشکل روزافزونی افزایش می‌یابد و در این رابطه پول هر روز ارزش و قدرت خرید خود را از دست میدهد و لای از سوی دیگر قیمت مسکن سیر صعودی بسیار سریعی را طی میکند. این مساله یکی از عواملی است که سرمایه‌های

خرده‌انیز بسوی خرید و احتکار مسکن سرازیر می‌نماید زیرا مسکن تبدیل به شکلی از اندوخته میشود که اولاً نرخ بهره آن (کرایه‌خانه) روبه رشد است و نرخ بالائی را تشکیل میدهد و ثانیاً افزایش روزافزون قیمت مسکن اثرات تورم بر سرمایه‌را از بین میبرد.

با توجه به "گزارش اقتصادی و طراز نامه بانک مرکزی" نرخ رشد اجاره‌خانه در شهرها در سال ۵۵ نسبت به سال قبل ۱۷٪ و در سال ۵۶ نسبت به سال قبل ۲۳/۹٪ بوده است. نرخ رشد اجاره‌ها در سال ۵۵ نسبت به سال ۴۵ برابر بوده است. اگر این رشد را با رشد قیمت مصالح ساختمانی و مزد کارگروینا مقایسه کنیم آنوقت میزان دقیق‌تری از سود کلانی که در این رشته نهفته است بدست می‌آید. بطور تقریب قیمت مصالح ساختمانی و مزد کارگروینا در این مدت ۲/۸ برابر شده است در حالی که کرایه‌خانه‌ها چهار برابر برگشته است

ادامه دارد

سرکوبگران خلق‌گرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

کمیسیون امنیتی "مشهد ۵۰۰ خانواد" زحمتکش را چادر نشین کرد

سرانجام با توطئه چینی پاسداران به زحمتکشان مستقر در آپارتمانهای آیکوه در مشهد هجوم بردند و آنان را از خانه هایشان راندند.

آپارتمانهای خالی آیکوه که متعلق به سرمایه داران مشهد بود، در اوایل قیام بهمن ماه ۵۷، توسط زحمتکشانی که سالها در بدو چادر نشینی و مستاجر نشینی را متحمل شده بودند، تصرف شد، اما از همان آغاز تصرف آپارتمانهای خالی بدست توانای زحمتکشان مسئولان محلی به همراهی پاسداران، دائم در صدد بودند که زحمتکشان را از خانه های تصرف شده، خارج کنند و حتی برای این منظور کمیسیون تشکیل دادند متشکل از ارتش، شهرتانی، آستان قدس، استانداری، کمیته و پاسداران. این کمیسیون در طول بیش از یکسال که از تصرف آپارتمانها می گذرد، بارها با اخطارها، دسیسه چینی ها و

هجوم، قصد راندن زحمتکشان را از آپارتمانها داشته است، اما همیشه با مقاومت دلیرانه و هشیاران زحمتکشان، مواجه شده است، آنها حتی برای راندن زحمتکشان از آپارتمانهای عظام، قمی و مرعشی فتوای می گیرند مبنی بر اینکه "آپارتمان های متصرفی آیکوه نماز ندارد" و به این ترتیب می خواستند با استفاده از عقاید و احساسات مذهبی زحمتکشان، توطئه های خود را که در حمایت از سرمایه داران و علیه زحمتکشان است عملی سازند.

اقدامهای کمیسیون امنیتی برای راندن زحمتکشان همچنان ادامه پیدا می کند، تا اینکه طبسی، نماینده امام، شخصی بنام بهشتی را که در گذشته مورد تأکید ساواک بوده، مامور تخلیه آپارتمانها می کند، بهشتی نیز، یک کمیته چینی بنام یعقوبی را، بعنوان بی خانه در یکی از آپارتمانها اسکان میدهد. یعقوبی تلاش می کند و

نمایند یکی از بلوکهای می شود. آستان قدس آخرین اخطاریه تخلیه را که می دهد، سه روز مهلت تعیین می کند و از ساکنان می خواهد که آپارتمانها را خالی کنند و به آنها وعده زمین میدهد. با اعلام این اخطاریه، اولین کسی که اقدام به تخلیه کرد، همان یعقوبی (مامور کمیته بود. در پی عمل یعقوبی بعضی از زحمتکشان که فریب خورد بودند، خانه هارا تخلیه می کنند و جملگی به چادرهایی که در حاشیه بلوار سیدجمال الدین برپا شده بود، می روند اما عده دیگری از زحمتکشان که به هیچ روی نمیخواهند خانه هارا تخلیه کنند و از توطئه ها آگاه نبودند همچنان در خانه های تصرفی خویش باقی ماندند. پاسداران هم بی کار نشینند و در حدود ۳۵ تن از زحمتکشان را دستگیر و روانه زندان کردند. همسران زندانیان برای دادخواهی و اعتراض به بازداشت شوهرانشان به نزد طبسی نماینده امام

می روند، اما با فحش و کتک پاسداران محافظ طبسی مواجه می شوند که در این گیرودار، یکی از زنان سقط جنین می کند. روز بعد طبسی نماینده امام بسی شرمانه در مصاحبه ای اعلام می کند که "پاسداران کاری انجام ندادند و آنها که آپارتمانها را اشغال کرده اند، ضابطه انقلابی اند."

سرانجام پس از یکسال و اندی کشمکش و توطئه چینی و هجوم پاسداران و مقاومت سرسختانه و برحق زحمتکشان، صبح روز بیست و یکم تیرماه در حدود چهارصد تشری ۳- بدست پاسداران کامیون و نفیر، به سردمداری بهشتی - نماینده طبسی - به آپارتمانهای آیکوه یورش آوردند و زحمتکشان را از خانه ها بیرون کردند. و به این ترتیب بیش از ۵۰۰ خانوار بی خانه و کاشانه شدند.

اکنون این ۵۰۰ خانوار بی خانمان که سالها در چادرها

نشینی و خانه بدوشی و گود نشینی را تحمل کرده اند، در حاشیه بلوار سیدجمال الدین چادرها اندودر شرایط بسیار سخت و غیر بهداشتی و محروم از امکانات رفاهی، زندگی می کنند بچه های این زحمتکشان به دلیل اینکه در حاشیه خیابان هستند، تا مین جانی ندارند و تاکنون ۳ کودک زیراتومبیل رفته اند.

این اولین بار نیست که این حکومت "حامی مستضعفان" توده های محروم را سرکوب میکند، رژیم جمهوری اسلامی که نتوانسته و نخواسته خواسته ها و نیازهای مبرم و حیاتی زحمتکشان را تامین کند، در هر جا و هر زمان زحمتکشانی را هم که مستقلانه اقدامهایی از قبیل تصرف زمین و خانه، دست زده اند، سرکوب کرده است. زحمتکشان نیز در تجربه زندگی روزمره شان هر روز بیش از روز پیش درمی یابند که رژیم جمهوری اسلامی یار و پشتیبان آنها نیست، بلکه حامی و پاسدار سرمایه داران و زمین داران است.

پاسخ هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آبادان

به اطلاعیه شاخه خوزستان "پیرامون انشعاب اقلیت"

کار جنوب و در بیست و هفتمین شماره خود، اطلاعیه "شاخه خوزستان - کمیته مرکزی پورتونیت" را "پیرامون انشعاب اقلیت" چاپ رسانده است. قبل از هر پاسخی توضیح این نکته ضروری است که ما هیچ وجه نوسیدگان شرعی کار جنوب و اقلیت نوسیدگان "اطلاعیه" مزبور را "تجلی اراده" نودهای تشکیل دهنده "هواداران سازمان پورتونیت" و "پیرامون انشعاب اقلیت" نمی دانیم. زیرا واقعیت است که اینها در این سازمان داند که "کمیته مرکزی" آنها همالگی های خود را طبق برنامه ما تعیین کرده است و مسئولیتها را بر عهده می گیرد و بدین ترتیب طی کردن سلسله مراتب و رسیدن به هر مرحله از سلسله مراتب میسر است. اما در این اطلاعیه از افراد، بلکه بر اساس همدستی و یاندازی افراد در رابطه با "کمیته مرکزی" صورت میگیرد که است. بنا بر این ما اطلاعیم و پورتونیت چنانچه اطلاعیه های تشکیل دهنده "شاخه خوزستان" را "پیرامون انشعاب اقلیت" چاپ کرده است.

در ابتدای اطلاعیه میخوانیم: "و پیرامون نام سازمان پورتونیت و علنا انشعاب خود را از سازمان اعلام داشته است." ما میگوئیم نام سازمان به تنهایی نمیتواند معنی صحت و یا سقم، استراتژی و تاکتیک آن باشد. نام به تنهایی قادر نیست در امر شکل، هدایت و رهبری بود معنی تعیین کند ما میفکند. اما نگرانی استحقاق مبارزه تحت لوای این نام "زادگان" که در کتب و نشریات و با پیوستن نیروها در جهت و راهی مشخص که هدف آن کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریات، گامهای عملی بردارد، آن جریانی است که از سازمان را خواهد داشت که آگاهانه و با خط و برنامه ای مشخص، با پاسخگویی صریح به مسائل و مشکلات بالفعل جنبش کمونیستی و در راه آن، توضیح حاکمیت، به پیوستن، شکل و رهبری خود را خواهد بردارد. چگونه رفقای فدائی به شما اجازه میدهند تحت لوای این نام نظرات و عقاید و پورتونیتی خود را به جنبش کمونیستی ایران تزریق کنید؟ مسلماً "شما" استحقاق بودجه و تسهیلات نام فدائی را ندارید. شما که به ما رگسیم سلب میسیم انقلابی پشت کردن و به هم غوثی نفرت انگیزی با کمیته مرکزی جان حزب بوده دست زدید و سن دیرینه سازمان را که همانا مبارزای بی امان با این خائین بود، لنگه مائل ساختید.

شما که گستاخگری با حاکم جمهوری اسلامی را به کار روزانه خود بدل ساختید و بیسناد به توهمات توده ها هر چه بیشتر امان زدید. شما که با از برای پورتونیتی خود از حاکمیت، تشکیل دهنده بدون ضابطه، عملی، گسترده و بسی محمول و اجرا کردید بطوریکه امروزه ما را با برکنار شدن سلسله مراتب و انشعاب و انشعاب مواجعه ساخته اند. شما که با نیکو روزی به جریانهای درون جنبش کمونیستی، موجبات تشتت هر چه بیشتری را در صفوف کمونیست ها فراهم کردید.

آری شما استحقاق ندارید بر خود نام فدائی را بنهید. شما در اطلاعیه خود به تکرار همان ترهائی برداخته اید که در اوائل انشعاب، "کمیته مرکزی" بسیار کوشید تا با بیانه قرار دادن آنها مبارزه نماید و تئولوژی را به بحراف بکشد. شما در اطلاعیه خود می نویسید: "جوهر بیشتر اقلیت که در جریان برکناری نخستین بلنوم و حول محور دفاع از پیشگدشته سازمان بطور آشکار تئوری و با

"ما عفا دنا می ایم این نظرات بسویه خود و علیرغم هرگونه ناکار و اویر حاشا را نه کندگان از طریق یک خط آشکارا انحرافی به کارتون نظرات گروهان شرف متصل میسوند" پورتونیت به اطلاعیه که گویی دو ماه از "کمیته مرکزی" پورتونیت عقب ماند و تر است به تکرار همان جلیبسات و دروغهای بیگانه ای برداخته که "کمیته مرکزی" در کار شماره ۶ بسیار کوشید تا با عنوان کردن آنها ما را از زیر دامن بس مسائل مبرم جنبش بازدارد.

این دروغ گویگان عفا نیستند بوجوه، که نخستین بار توسط "کمیته مرکزی" عنوان شد شاید در شرایط اوایل انشعاب میتوانست به ذمیت جنبی از هواداران اثر جریانی داشته باشد. اما تکرار آن در شرایطی که سازمان نظرات خود را در نشریه کار و "سرد خلق" چاپ رسانده است تنها میتواند تکرار یک دروغ احمقانه باشد. دلایل ما برای اثبات این مدعا حارب روزمره ای است که در برخورد با هواداران داریم. این تجارب نشان میدهند که تا کی تا انحرافی کمیته مرکزی و همالگی هایش در شاخه خوزستان، که همانا نامنتسب ساجین نظرات سازمان به پیشگدشته بود با شکست کامل مواجه گشته است. و در عرض ما به تنهایی دیالکتیکی رفقای سازمان - توضیح حاکمیت - مشکل بالفعل و مبرم رفقای هواداران است نه چگونگی برخورد با پیشگدشته. امروز رفقای هواداران ما نمی خواهند که نظر سازمان را نسبت به پیشگدشته توضیح دهیم آنها توضیح حاکمیت را از ما میخواهند. رفقای هواداران ما میپرسند: از برای سازمان در مورد جناحهای مختلف حاکمیت چیست؟ علل اختلافات حاکمیت با امیرالایم در چه عواملی است؟ و...؟ در قسمت دیگری از اطلاعیه آمده است:

"پورتونیت چه که از انشعاب اقلیت کودکی که به وجود آمد از زمان سازمان بیکار "سرت و شادانی نامی نیروهای را سبب کمونیستی! از حرکت ما جرجو با اقلیت اعلام و به اقلیت تبریک میگوید.

"ما هم امروزه نوسیدگان اطلاعیه شاخه خوزستان اعلام می کنیم: کمیته خود به نامی جریانهائی که حتی در راهی مبارزه با پورتونیت راست حاکم بر "کمیته مرکزی" مشارکت جستند و موجبات تولد منشی انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را فراهم ساختند. در مقابل "تبریک میگوئیم. ما امروز به همراه نیروهای راستین کمونیست شادانی خود را از جنبش تولدی پنهان میداریم. و در جنبش شادانی و سرت ما موافقی دوچندان میسود که خم و نفرت کمیته مرکزی" خائن حزب بود ما از جنبش تولدی پنهان میسود که خم و نفرت کمیته مرکزی سبب در اطلاعیه میخوانیم.

"سازمان ما هر روز وقتی آن خط سرخ انقلابی میباید که در قلب سرجنگل گیلان توسط پایه گذاران شهید ما از رسم زده شد" این توضیح لازم است که پورتونیتها، تا کنیکرانه در خدمت یک هدف طول مدت، بلکه در جهت منافع آنی و لحظهای خویش قرار میدهند و در این میان همسایه منافع آنی در جهت اهداف طولانی مدتشان نباشد. علت این امر به تنهایی در برداشت غلط و غیر دیالکتیکی آنها از تاکتیک نیست بلکه بیشتر در برداشتن یک استراتژی مشخص و روشن است. نوسیده "اطلاعیه" شاخه خوزستان بسیاری از پورتونیت های "کمیته مرکزی" - گدشته سازمان را در خدمت منافع لحظهای خویش قرار میدهند یعنی آنجا که لازم باشد گدشته را، ماهیت "خرد و روزگاری" خارج از جنبش کمونیستی انحراف از ما رگسیم سلب میسیم، منحرف کنند، جنبش کمونیستی و... از برای میسود و در جانی که ضروراً افند گدشته را "خط سرخ انقلاب" میانمایند.

از نظر ما مسئله این نیست که شتر اکار را بگذاریم و یا اما "بیدریم یعنی بگوئیم یا هیچ با همه چیز. بلکه مسئله اساسی اینست که سرتی را که رفقای شهید برای جنبش برت گذارند. بدانها چه عمل میسوزیم. حال برسدنی است و اما "چه کسانی از این سن در جهت منافع پرولتاریا بود میسوزند؟ مسلماً "این کسان" توده های شریکینی نخواهند بود که در مدار حاکم جمهوری اسلامی، جهت گرفتن خواسته های حقیرشان به با صدالی شهید استناد میکنند برای برستی مگر یکی از سن سازمان که بخون همان کسان رفقه زده شد که جنگل سیر گیلان را لنگول ساختند سرتی تا پدیری در مقابل دشمن خلق میسود؟

نوسیده "اطلاعیه" که گویی تازه از تفرخ در سانه با زگشمنی اطلاع از واقعات زمینی است. او بیوانمندی در انجام وظایف انقلابی و حرکت هر چه عمیقتر در سرتی مبارزات طبقاتی جامعه و تکمیل رگسیم سلب میسیم اشاره میکند. با یاد از نوسیده "اطلاعیه" که به توانمندی "پورتونیت ها" در انجام وظایف انقلابی اعتقاد دارد برسد.

در امر تشکیل و رهبری توده ها، در امر ایجاد تشکلات دوگرا تیک از قبیل زنان، معلمان، دانش آموزان و... شما کدامین گامهای عملی را در خوزستان برداشتید، کارنامه ۱۶ ماهه شما کدامین حرکت سازمان یا رفتار در خوزستان نشان میدهد.

عجیب است شما که عا جزا توزیع سازمان با فنه "کار" در خوزستان بودید چگونه از توانمندی سخن میگوئید؟ شما امروز با بد توضیح دهید که ایجاد تشکلات محلی و کارخانه ای که ما هم از برای داشتن تشکلات به وظایف مبرم خویش بود، بنا به کدام تحلیل صورت میگرفت و چرا سرتی که در پی تعطیل آید؟

شما با محدودی سخن مریزای ارگای صفتی و سازمان انقلابیون طبقه کارگر، ضربات مهلکی به امر مشکل توده ها وارد ساختید شما از طریق حزب "پورتونیت" و تئوری سازمان خود به تشکلاتی توده ای در خوزستان از قبیل "سندیکاها" شوزاها و... موجبات تفرقه رچه بیشتر طبقه کارگر را فراهم آوردید. در همین رابطه با بسی با سخوی فاجعه صایع فولاد با تید. شما باید تحلیل خود را از ضربات مهلکی که به کارگران پیشرو صایع فولاد وارد مدار شده دهید. و بگوئید که علل این ضربات در کدامین تاکتیک مخرب شما بود؟ و...؟

اکنون "سرد خلق" منتشر شده است. سرد خلق آب سردی بر روی تمامی کسان نیست که سعی داشتند مبارزه اید تئولوژی را به انحراف کشانند. اکنون فرصت طلبان، اگر به اندازه جوی صداقت دارند (که ما به همان اندازه هم تک داریم) میتوانند به نظرات مطروحه در سرد خلق پاسخ گویند.

اکنون "کمیته مرکزی" پورتونیت و همالگی هایش در شاخه جنوب، در سانه فضلی قرار دارند که نوسیدگان ای زرد را به آنان میدهد. همگی بگوئیم با طرد افشای پورتونیت از جنبش کمونیستی کشورمان، آینده سرخ زحمتکشان را بی ریزیم.

هر چه مستحکم تریاد صفوف رزمنده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
تا بود باد جنبه فرصت طلبان و سازنگاران
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آبادان ۵۹/۵/۱۲

★ ★ ★

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

باردیگر اپورتونیسیم تلاش می کند مبارزه بحق و عادلانه زحمتکشان ایران را به بیراهه بکشد

باردیگر اپورتونیسیم تلاش میکند مبارزه بحق و عادلانه زحمتکشان ایران را به بیراهه بکشد.

باردیگر سیاست کثیف و خائنه حزب توده بر جنبش روبا عتلائی خلقهای ستمدیده ایران سایه می افکند.

باردیگر سیاست گمراه کننده ای که برای تحمیق توده ها زیر نقاب کلمات فریبنده حزب توده که مشی سیاسی آن در طول سالهای گذشته در جهت مخالف جنبش پرولتاریائی بوده است در روزنامه ارگان سراسری وابسته به کمیته مرکزی متجلی میشود. و این بار اکثریت کمیته مرکزی که تاریخ متحول و خونبار سازمان را فراموش کرده است این وظیفه را به عهده میگیرد.

آری رفقا: سیاست اپورتونیسیتی عده ای که در برج عاج اندیشه های نگم خود در پشت درهای بسته نشسته اند "تعیین روش خود از واقعهای تا واقع دیگر را" بجای تحلیل مشخص از اوضاع مشخص که روح خلاق و جوهر ما رکسیسم پویاست، جایگزین میکنند. این افراد بمناسبت خصلت و پایگاه طبقاتی خویش "منافع اساسی پرولتاریا را فدای منافع آئی و آتی فرض نموده" نه فقط بیهاثی به مبارزات کارگران نمیدهند بلکه در عمل رسالت تاریخی و تعیین کننده این طبقه را که عنصر اعلی پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی است نفی میکنند. هژمونی پرولتاریا به هیچ انگاشته میشود و در تحلیل اپورتونیسیتی خودی شرمانه رهبری

خرده بورژوازی را پذیرا میشوند.

رفقا: این گروه (کمیته مرکزی) زیر نقاب با صلاح مبارزه ضد امپریالیستی، سرکوب کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی و خلقهای تحت ستم ما را که هر روز با دگرگونی تری میگیرد با سیاست اپورتونیسیتی خودنا دیده میانگارید. رسوایان برای استیابیه مراکز قدرت و اظهار عجز و بندگی در مقابل آنها به وسیله متشبث شده، پندار گرایان با هر ما حب قدرتی در حاکمیت وارد مذاکره میشوند. چشم خود را در مقابل قتل عام کارگران در شهرستانهای هواز درود، ماهشهر، اندیمشک، تهران، بندر انزلی و... می بندند. هر موج مخالف با جریانات فکری خود را آنارشیسم تعریف نموده بدینوسیله بر حقانیت و صلاحیت عنا صریح و پرولتاریا کسه برای رهاثی از ستم طبقاتی مبارزه میکند خط بطلان میکشند.

اما رفقا: اینان کور خوانده اند. کارگران پیشرو همراه با دیگر زحمتکشان پوزیه این مرتدان را بخاک مالیده آنها را در مقابل تاریخ و آیندگان رسوا خواهند کرد. "بگذار آنها در منجلاب ذهنیت خود که جای واقعی آنهاست غوطه ور شوند ولی لا اقل دست از سرما کارگران بردارند." چه ما کارگران در جریان مبارزات طبقاتی خود پرورش یافته و آگاه میشویم تا از موهومات جاسد بورژوازی رهاثی یافته بیش از پیش بهم پیوسته گردیم. ما میا موزیم کسه چگونه درجه موفقیتهای خود را مورد

سنجش قرار داده نیروهای خود را آبدیده نموده و بطور مقام و متنا پذیری رشد و نمو نمائیم" ما مصمم هستیم و راه را ده کرده ایم تا امرهاثی خود را از ستم استثم رجامه طبقاتی بدست گرفته و تاپایان آنرا ادا ما دهیم و پشتیباثی خود را از جناح انقلابی (اقلیت) سا زمان که بموقع حد و مرز خویش را با این اپورتونیسیتهاثی معلوم الحال کمیته مرکزی مشخص کرده است اعلام میداریم.

رفقا: این وظیفه انقلابی ما است که نقاب تزویر و ریازچهره این مارکسیست های دروغین و بوقلمون صفت برداریم و با تمام تلاش حرکتهاثی ضد کارگری - ضد خلقی آنها را که در تحلیل نهائی از کانال بورژوازی ستمکار میگذرد افشا نمائیم چه در غیر این صورت و در مقابل تاریخ و ضللهای آئنده شرمگین خواهیم بود. رفقا بهوش با شیم و فریب این نارفیقان را که میخواهند مبارزه طبقاتی را از محتوی خالی کنند نخوریم و در جهت هر چه عمیق تر کردن مبارزه ایدئولوژیک علنی جهت ارتقاء جنبش کام برداریم. مبارزه با این انحرافات از وظایف اصلی ما بوده و جدا از مبارزه طبقاتی نیست.

مرگ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه دا جلیش پیروزی دمقاومت و مبارزه بیگیرانه، دلیرانه و عادلانه خلقهای ما رهبری پرولتاریا.

جمعی از کارگران بیکار و پیروزه ای طرفدار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.

۳۰ روز تعطیلی بعد از یکسال کار طاقت فرسا!

دکتر طباطبایی سخنگوی دولت گفت: " برای اولین بار در تاریخ ایران به پاس احترام

به شخصیت والای کارگرو بر اساس عدالت اجتماعی تعطیلات کارمندی و کارگری یکسان اعلام میگردد. " (اطلاعات ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ شماره ۱۵۱۹۲۲)

اگر سال گذشته ۲۳ روز تعطیلی داشتیم، اما سال از ۱۲ روز تعطیلی در سال صحبت میشود. اگر

پارسال نتوانستیم ۳۰ روز تعطیلی را بگیریم و دل به حرفهای قشنگ مسئولین: **شخصیت والای کارگر**

و **عدالت اجتماعی** را باور کردیم، اما سال بعد از یکسال تجربه بکوشیم تا با **اتحاد و**

همبستگی خود ۳۰ روز تعطیلی را که حق مسلم ما است بدست آوریم.

((۳۰ روز تعطیلی در سال حق طبیعی ما است))

کارگران پیشرو ویتاننا

تعطیل دو روز در هفته تامین کننده رفاه کارگران و لازمه ارتقا آگاهی آنان است



نامه‌ای از یک کارگر بارانداز

پیمانکار کیست؟



همکاران! سرمایه‌دار می‌تواند کارخانه‌دار باشد، بانکدار باشد، زمیندار باشد، تاجر، دلال، نمایندگی و غیره و غیره باشد، و پیمانکار هم باشد.

برای اینکه بهتر بدانیم پیمانکار کیست با کمک پیرمردان دریا و رنجبران اسکله به عقب برمیگردیم، نه خیلی دور، همین چندسال پیش، با افتتاح همین اسکله جدید که در آن کار می‌کنیم از دریا به خشکی آمدیم. شبانه روز ۱۸ ساعت کار می‌کردیم برای هرنوبت شش ساعتی و پنج ریال پول می‌گرفتیم، از شش صبح الی دوازده یا یک بعد از نیمه شب، بعضی وقتها آخرهای کشتی تا صبح یعنی ۲۴ ساعت هم کار می‌کردیم. ما کور می‌شدیم، می‌پوسیدیم، می‌مردیم، می‌خشکیدیم و پیمانکاران روزبه روز سر حال تر و شا دتر و چاق تر می‌شدند. وسیله پشت وسیله می‌خریدند، دریا نشی می‌شدند. ما شینهای سواری، زمینهای شهر، ساختمانیها، هر چیزی که گرانها تر و به قیمت جان ما تمام میشد، اگر درکی بر سرمان می‌خورد، یا تیر آهنی به زمین می‌کوبیدمان، اگر ضربه‌ای به دریا می‌انداختمان، همه را با یدفدای پیمانکاران، این دلالان خون کارگران می‌کردیم.

راستی آنها چه می‌کردند؟ چه می‌کنند؟ آنان ما را به مزدوری می‌گرفتند تا کیسه‌هایشان را پر کنند. چه سهم عادلانه‌ای! بیلش را ما می‌زدیم، بی‌خواهیش را ما میکشیدیم و میکشیم، جانش را ما می‌کنندیم و می‌کنیم، پولش را آنان پارو می‌کردند و می‌کنند.

چگونه اینکار را می‌کردند؟ با کمک دولت، اگر دولتی طرفدار و پشتیبان سرمایه‌دار نباشد که کارگری بی‌جان و مال نمی‌شود! صد هاهزاران انسان پایمال خوشی و عیش و نوش تعداد دانگست

شما ری خونخوار نمی‌شوید!؟ چه شکلی؟ خیلی ساده هم‌نوایان! مثل آب خوردن! کشتی‌ای می‌آید، دولت از طریق نماینده اش تخلیه یا بارگیری را به مناقصه می‌گذارد و آنکه تیغش برنده تر است، به سلاخی ما حیوانات بی‌ارزش می‌پردازد. دوستان اگر رقابتی هست بر سر نرخ مناقصه بین پیمانکاران، قربانان اصلی ما هستیم.

چطوری؟ بهمان اندازه که نرخ بالاتری به دولت می‌دهند، بهمان نسبت تلافی را از جان ما در می‌آورند. اگر برنج راتنی ۲۶ تومان بگیرند که نهایت به ما تنی ۵ یا ۶ تومان بیشتر نمی‌رسد، و اگر بیست و یا ده تومن هم بشود باز ما هستیم که دویا سه تومن سودا وراثت و سر جای خود نگه میداریم. اینطور نیست همکاران!

بپرسید از دولت، از همه، از ملت! اینها چه کاره‌اند؟ چند دستگاه وسیله‌دار اسکله به کار گرفته‌اند؟ اگر وسیله‌ای دارند، جزدستهای پینه بسته، ما چه منبع درآمد دیگری اینهمه وسایل را در اختیار آنان در آورده‌است.

می‌بینیم که بودیا نبود آنان، که بجز مفتخوری کار دیگری ندارند، برای بارگیری یا تخلیه کشتی‌ها هیچ تاثیری ندارد. اما دوستان دولت، های سرمایه‌دار نمی‌خواهند اینها بشوند. آنها با خا طرباج و خراج این حضرات پابر جا یند. مگر میشود مگسها را بدون شیرینی گرد آورد؟

این دلالهای مزدور، شادی‌هایشان بر چهره‌های غم‌گرفته و بدنهای لهیده‌ی ما ساخته شده، تاول‌های دستهایمان زینت بخش دستان ظریف آنان است و چروکهای پیشانیمان که سابقه رنج و زحمت را حک کرده‌است، اعتبار ردهنده پولهایشان.

مبارزه با فحشا و...

از کدام سو؟!!

پدیده‌ها که زائیده نظام سرمایه‌داریست نمی‌باشد دزدی، فحشا و قاچاق - جملگی ناشی از سیستمی هستند که در آن فقییر و دارا هست، پولدار و بی پول هسته است. ما سودا گری برای سود بردن و ثروت اندوزی هستیم، اقلیتی که ما شین، سرکوب دولتی در خدمت آنهاست کارخانه‌ها، معادن، بازرگانی و... را درید قدرت خود می‌گیرند و به طور آشکاره دزدی و غارت بسترنج و حاصل کار اکثریت جامعه یعنی زحمتکشان می‌پردازند و به بهای این غارت از همه‌گونه رفاه برخوردارند اما اکثریت غارت شده و

به رغم ادعای پرمطراق و گوش کرکن هیئت حاکمه در جهت نابودی و ریشه کن کردن فحشا و دزدی و به رغم موج گسترده اعدام‌ها و سنگسارها در گوشه و کنار کشور، شاهد گسترش دزدی و فحشا به اشکال گوناگون هستیم بر اساس آنما منتشره از سوی پلیس تهران، در ماه گذشته، تنها در تهران ۶۰۰ مورد سرقت کشف شده است. هر روز عده‌ای به سبب سرقت مسلحانه، زنا و قاچاق به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند. اما نه اعدامهای "قاطعانه" و نه سنگسار به شیوه‌های عهد عتیق، هیچکدام قادر به از میان بردن این

استثمار شده همچنان در ذلت و خواری و فقر وسیه روزی دست و پا می‌زنند، گروهی از میان این اکثریت که دستشان از همه چیز کوتاه شده و نمی‌توانند ما یحتاج زندگی‌شان را فراهم آورند به دزدی و فحشا و خودفروشی روی می‌آورند، عکس العمل همه حکومت‌های سرمایه‌داری در برابر این پدیده‌ها، ما هیتا یکسان است، همه آنها توسط پلیس و ارتش و فوانین و مصلحان نشان دزدی دزد، و تن فروشی فواحش و... را محکوم می‌کنند، مجازاتهای سنگین وضع می‌کنند اما خود در همان وعیان، همچنان به غارت زحمتکشان مشغولند در هر جا معاهای که فقر و بدبختی بیشتر و فاصله طبقاتی عمیق تر باشد، دزدی و فحشا و فساد از درجه بالاتری برخوردار است. جامعه ما نیز از این قانونمندی مستثنی نیست، به ویژه بعد از قیام، دزدی به انواع گوناگون رواج یافته

با خراب شدن قلعه عده‌ای از زنان که برای گذران زندگی خود راه به جایی ندارند همچنان به تن فروشی در خفا مشغول شدند، زنا و تجاوزات جنسی فزونی گرفت. رژیم جمهوری اسلامی هم با تبلیغات عریض و طویل و اقدام‌های "قاطعانه" به زعم خودش، به مقابله با این پدیده‌ها برخاست اما، سیرجریانات و وقایع بخوبی بیانگر آنست که این رژیم قاطعانه از زمین بردن زمینه‌پدیده‌ها، که همانا سرمایه‌داری و نظام طبقاتی است نمی‌باشد، این رژیم رژیم تنها به جان دزد و روسپی و قاچاقچی افتاده، بی‌کاری را که عامل بزرگ‌گسار و بروز رواج فساد و فحشا و دزدی است، به عوض از میان برداشتن گسترده تر کرد، گرانی و تهیبه ما یحتاج زندگی فزونیتر و مشکل‌تر شد، مسکن نایاب تر و تهیبه آن پیچیده تر گردید و بر چنین زمینهای رژیم جمهوری اسلامی،

تا توانست سرمایه‌داری و زمینداری را از تعرض مصون نگاه داشت و در جهت حفظ و بازسازی سیستم سرمایه‌داری شب و روز به سرکوب خلق‌ها، کارگران و دهقانان پرداخت، البته از این رهگذر هم جوخه‌های "قاطعیت" را برای از میان بردن دزدی، با اعدام دزد و با کشتن فاحشه‌وزنان کا رو قاچاقچی برای ریشه کن کردن فحشا و فساد و اعتیاد فعال کرد. ولی اکنون توده‌های مردم بیش از پیش در می‌یابند رژیمی که ما می‌پاسد سرمایه‌داری است و در جهت احیاء و حفظ آن کمر بسته است نه تنها نمی‌تواند دزدی، فحشا و فساد را حتی با اعدام، ریشه کن سازد، بلکه به رواج و گسترش آنها، دامن می‌زند. فحشا و فساد و دزدی هنگامی محومی شود که بی‌کاری و گرانی و استثمار نباشد. فحشا و فساد و تمام این مشکلات تنها با واژگونی نظام سرمایه‌داری نابود خواهد گردید.

مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دموکراسی نیست

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد و سیاستهای ...

بقیه از صفحه ۱

سرکوب و قلع و قمع مردم آغاز شد. توده‌های غیر مسلح مردم در مقابل یورش مسلحانه ضد انقلاب غافلگیر شدند. صدها تن از زنان و مردان انقلابی کشته و جنبش در خون غرقه گشت. سپس محاکمات آغاز و جوخه‌های اعدام براه افتاد ...

در آن زمان، دربار پهلوی به تجلی قدرت سیاسی فئودالها و بورژوازی بزرگ دلال صفت و در عین حال پیش‌برنده سیاست امپریالیستی انگلیس و آمریکا، برای حفظ منافع طبقاتی خود که بویژه از جانب کارگران و زحمتکشان مورد تهدید جدی و سختی قرار گرفته بود، حاضر به انجام هرگونه اقدام کثیف و نفرت‌انگیزی بود. اولین اقدام دربار برای کودتا، در نیمه اسفند سال ۳۱ با شکست مواجه شد. اما در عین حال سر نوشت غم‌انگیز جنبش خلق را در چشم‌انداز پدیدار کرد.

کودتای نیم اسفند، نشان دهنده عکس‌العمل دشمن در مقابل تشدید فشارهایی بود که مصدق بر دربار و شاه وارد می‌آورد. بهر حال این طرح که به "کودتای صغیر" معروف شد، قبل از پایان گرفتن خفه شد. ۲۰۰ نفر از سردمداران کودتا و در راسشان فضل‌الله زاهدی دستگیر و زندانی شدند.

عدم قاطعیت دکتر مصدق در برخورد با دربار موجب آزادی زاهدی شد و سپس وی در مجلس کد اکثریت آن را دشمنان جنبش و وابستگان به امپریالیسم تشکیل میداد. تحصن گزینید. مصدق که تقویت روز افزون فراکسیون ضد انقلابی مجلس را مشاهده کرد، تصمیم به انحلال مجلس و فرماندوم گرفت.

بخش مهمی از رهبران جنبه ملی در ماه‌های پس از قیام ۳۰ تیر به اردوی دشمن پیوسته و در این زمان دست در دست دربار برای سرنگونی مصدق میکوشیدند. این جناح خیانت پیشه که افرادی نظیر آیت‌الله کاشانی روحانی معروف و مکی و مظفر بقائی از سران آن بودند، دست اتحاد بسوی زاهدی و دربار دراز کردند. اجرای طرح کودتای ۲۸ مرداد که از ۲۵ مرداد آغاز شد، تنها هنگامی صورت تاکنیک دربار و امپریالیسم در دستور قرار گرفت که آنها در دریافت هرگونه باصطلاح اقدام قانونی و پارلمانی بی‌ثمر بودن خود را بحد کافی نشان داده است. از سوی دیگر عدم سازش مصدق با امپریالیسم آمریکا موجب آن شده که بتدریج امپریالیسم آمریکانیز سرنگونی حکومت مصدق را در برنامه خود قرار دهد. هدف مشترک و نزدیکی سیاست دو قدرت امپریالیستی آمریکا و انگلیس به طرفیت نیروهای ضد انقلاب

برای کودتا افشود. امپریالیست‌ها که از رشد و رادیکالیزه شدن جنبش و قدرت گیری نیروهای چپ بهراس افتاده بودند در یافتند که ایران و نفت آن که برای آنان دارای نقش و اهمیت استراتژیک است، عنقریب باید از دست رفته تلقی شود و سازش با رهبران جنبش دیگر به یک امر ناممکن تبدیل شده است. طرح کودتا را لازم الاجرا دانستند. و مصدق نیز با عدم اتکاء به توده‌ها و ناپیگیری و تزلزل شرایط لازم را برای کودتا فراهم آورد.

به جز بورژوازی ملی و خریده بورژوازی که توسط جنبه ملی و

دکتر مصدق رهبری میشوند. حزب توده که حمایت وسیع و فعال اکثریت کارگران و زحمتکشان ایران را با خود داشت، در جناح کارگری جنبش ضد امپریالیستی، ظاهر شد. وظیفه رهبری سیاسی طبقه کارگر ایران را بر عهده داشت. اما علیرغم ترکیب طبقاتی سطوح پائین آن که عمدتاً "کارگری بود این حزب فاقد خط مشی و رهبری انقلابی و سازش‌ناپذیر بود. در این دوره دنباله‌روی از رهبران بورژوازی ملی، محتوای اصلی سیاست حزب را تشکیل میداد.

حزب توده که از سالها قبل سیاست مماشات جویانه و اپورتونیستی را در مقابل هیئت حاکمه و دربار پیگیری می‌کرد، در این دوره که در گذشته تحت پوشش های فوق، "نفت شمال" را بی‌آر آورده بودند، این بار نیز با همان نقش را در نهضت ملی شدن نفت بر عهده گرفتند. آنها در ابتدا هنگامیکه نمایندگان بورژوازی ملی به رهبری مصدق شعار ملی کردن صنعت نفت را میدادند، بطرح شعاری عقب ماند و از تجاعی چون انقاع قرار داد نفت جنوب!" پرداختند. این شعار که عملاً در مقابل شعار "ملی شدن نفت در سراسر کشور" قرار گرفته بود،

این مضمون را بیان میکرد که اولاً، بجای ملی شدن صنعت نفت باید "الغای قرار داد" جایگزین گردد. (یعنی باید منافع امپریالیسم از نظر حقوقی رعایت گردد) و ثانیاً به عنوان ملی شدن نفت در سراسر کشور باید تنها الغای قرار داد نفت جنوب، مطرح گردد! سپس حزب توده در مورد الغای قرار داد از خود "گذشت" نشان داد. و شعار قبلی را به شعار "ملی شدن صنعت نفت جنوب" مبدل کرد! تنها پس از آنکه شعار ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور به شعار عمل توده‌های مردم تبدیل شد و حتی مقدمات تصویب آن در مجلس فراهم شد، رهبری

مصدق علیرغم ناپیگیری و عدم قاطعیتش که از خصوصیات طبقاتی او ناشی میشد در مقابل امپریالیست‌ها ایستاد و سازش نکرد. اما امروز جریان تاریخی نظیر حزب جمهوری اسلامی و در راس آن آیت‌ها و بی‌بشعرتی‌ها که دعای مبارزه ضد امپریالیستی دارند، توده‌ها را فریب می‌دهند و در جهت به انحسار کشاندن مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها گام برمیدارند.

حزب از خواب خرگوشی بیدار شد و بدون هیچگونه توضیحی به این شعار روی آورد. مطالعه عینی خط مشی سیاسی حزب توده نشان میدهد که این حزب همواره بدنبال جنبش توده‌های روان بود و هیچگاه شایسته نام پیشاهنگ طبقه کارگر ایران نبوده است. عملکردهای اپورتونیستی حزب توده تا تاثیر عظیم و تاریخی خود را در بی اعتماد شدن توده‌ها نسبت به مارکسیست-لنینیست‌ها برجای گذاشت. در آن زمان مارکسیسم-لنینیسم بناحق "توده‌های عجیب گشته بود. باید خون سرخ بسیاری از رفقای ما در دهه ۵۰ و در مبارزه‌ای سازش‌ناپذیر با رژیم مفسور شاه چون خورشیدی فروزان می‌دمید تا آنکه نتوانی که "کمیت مرکزی حزب توده" بر دامان جنبش کمونیستی ایران بر جای نهاده شود، زود ه میشد ...

اوج سازشکاری حزب توده که در واقع خیانت به جنبش ضد امپریالیستی محسوب میگردد، هنگامی پدیدار شد که رهبران حزب با اقدامات عملی کودتاچیان رو برو شدند. این سازشکاری از نظر تاریخی و برای یک پروسه طولانی بر امر تأمین همزونی طبقه کارگر در جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقی ایران ضربات اساسی وارد آورد.

در ۲۵ مرداد اگر چه حزب توده با تشکیلات پر قدرتی که در صفوف ارتش سازماندهی کرده بود، از نقشه کودتاچیان مطلع نبود و آنرا بر ملا کرد و علیرغم شعارهای تند و "دهن پرکن" نظیر: "کودتا را به جنگ ضد کودتا تبدیل خواهیم کرد!"

هیچگونه کوششی جهت سازمان دهی اعضا و توده‌های هوادار برای هرگونه مقابله جدی با کودتا، انجام نداد. سران حزب که خود را رهبران اپورتونیستی ایران میدانستند، در جاییکه تشکیلات نظامی حزب به کوشش انقلابیون کمونیستی نظیر خسرور و روزبه از نیروی قابل توجهی برخوردار بود، تسلیم طلبی و صبورا انتظار، روشی را در پیش گرفتند که راه را برای تسلط کودتاچیان هموار میکرد. آنها با وجود آگاهی قبلی از نقشه کودتا و حتی چگونگی اجرای آن و مطلع کردن مصدق از این امر، خود به خیانتی تاریخی نسبت به جنبش انقلابی خلق آلوده گشتند.

اگر تزلزل و تردید رهبران بورژوازی ملی، بعلت ترس از رشد مبارزه طبقه کارگر قابل توضیح و تبیین است اما چنین پدیده‌ای در مورد "رهبران" طبقه کارگر! در لحظات حساس و سر نوشت ساز تاریخی چیزی جز خیانت به جنبش محسوب نمیشود. در واقع همانطور که دکتر مصدق در استفسارده از امکانات دولتی و نظامی برای

هم کوبیدن قدرت دربار و شاه، ضعف و ناتوانی اساسی خود را نشان داد، حزب توده نیز از قدرت سازمانی و سیاسی خود برای مقابله با کودتا استفاده نکرد. هیچ نوع جنگ ضد کودتا علیه کودتا صورت نگرفت.

موج یورش ضد انقلاب بدون برخورد با هرگونه مانع جدی دامنه خود را بسعت گستراند. دشمن در مقابل تسلیم طلبی های غیر منتظره رهبری حزب توده به طور غیر قابل تصویری "هار" شده بود. کودتاگران بسعت در شهرستانها نیز هرگونه مقاومتی را درهم شکسته و مواضع حساس دولتی را اشغال کردند. کوچکترین اعتراض به خشن‌ترین شکل سرکوب میشد. ضد انقلاب در میان زهر خندهای درباریان و ژنرالهای ارتش جشن پیروزی گرفته بود، در حالیکه جنبش انقلابی زهر ضربات مرگبار دشمن را آهسته آهسته بر پیکر خویش احساس می نمود. زبانهای آتش از پنجره بسیاری از ساختمانها بیرون میزد، صدای مسلسلای دشمن در فضای پیچیدگی و شعارهای "مرگ بر مصدق!" و "جاوید شاه! سطح تمام

دیوارها را پوشانده بود. جنبش طبقه کارگر ایران که در بنسب اپورتونیسم حزب توده قرار داشت به سر نوشت محتوم خویش کشیده شد و درهم شکست. جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقی با شکست فاجعه آمیزی مواجه شد. کلیتاً سازمانهای دموکراتیک - توده‌های، یکی پس از دیگری نابود شد. رهبران حزب بجای سازماندهی هر نوع مقاومتی در اندیشه فرار از ایران بودند! مبارزه سیاسی رو بخا موشی نهاد. زندانها بتدریج پر میشد. موج "تفرغنامه‌ها" که بدستور رهبران حزب نوشته میشد رسوایی و فضاحت را در وجدان کرد. جغد سیاسی و بدبینی در فضای سیاسی ایران به منظره نشست. پس از آنکه کودتاگران به قدرت رسیدند، توده‌های خلق ۲۵ سال زبویوغ رژیم سر برنده شاه بسر بردند. اما بالاخره رژیم سلطنت بنیوی عظیم و خروشان توده‌ها، با قیام سرنگون و طومارش درهم نوردیده شد و رژیم جمهوری اسلامی جایگزین آن گردید. در

حزب توده که از سالها قبل سیاست مماشات جویانه و اپورتونیستی را در مقابل هیئت حاکمه و دربار پیگیری کرده و دنباله‌روی مطلق خود را از سیاست کمونیست شوروی در ایران تحت بهانه پیروزی از نترسان سونالیسم پرواتسری تویسه می نمود، یکبار دیگر در جریان کودتای ۲۸ مرداد، ورشکستگی کامل سیاست خود را به نمایش گذاشت و خائنه از اقدام انقلابی سرباز زد.

این جمهوری اسلامی قسدرت دولتی عمدتاً بدست دوجناح از بورژوازی متوسط ایران افتاد. یکی از این دوجناح حزب جمهوری اسلامی است که خود را ادامه دهنده "آیت‌الله کاشانی" میدانند! و در طرف دیگر جناح لیبرالها که علیرغم ادعایشان مبنی بر حفظ آرمانهای دکتر مصدق، تنها قادرند کاریکاتوری از آنرا بنمایش بگذارند!

اگر دکتر مصدق در دوره‌ای از تاریخ مبارزاتی خلق ایران رهبر جنبش ضد امپریالیستی بود، اینک لیبرالهایی که تنها اسم مصدق را بید می‌کشند سعی در مهار جنبش و خد مت به امپریالیسم دارند.

سران حزب جمهوری اسلامی خود را روح رهبری کنی شده جمهوری اسلامی می دانند و برای آن از هیچ حیلای فرو گذار نمی‌کنند، اما کالبه این روح چیزی جز دفاع از منافع سرمایه داران و زمینداران نیست. لیبرالها نیز علیرغم جمله پردازیهای عوام فریبانه شان در مورد آزادیهای لازم و رعایت قانون اساسی، خواهان

نظمی هستند که در آن میلیونها تن از کارگران، دهقانان و زحمتکشان میهنمان باید مورد ستم و استثمار مشتی ناچیز از سرمایه داران و زمینداران قرار گیرند.

این دو فراکسیون رقیب در طبقه حاکم، مشترکاً "برای سرکوب خلق، خود را سازمندی می‌کنند و در عین حال بر ضد هم توطئه می‌کنند تا هر یک به شیوه خاص خود بیا برتری حکومت جمهوری اسلامی را هدایت کنند. حسن آیت تئوریسین حزب جمهوری اسلامی، این اسناد حیلای پست، کسی که در کودتای ۲۸ مرداد در کنار مظفر بقائی و آیت‌الله کاشانی، نقش مهمی را علیه حکومت ملی مصدق ایفا کرد، اکنون به همراه کسانیکه فماش آیت‌اللهیستی، فردی که برای سازش و جلوگیری از قیام مردم در بهمن ماه ۵۷ با "زنرال هوپوز" آمریکایی و فرماندهان ارتش شاه به مذاکرات سازشکارانه پرداخت، اینک رهبری حزبی را بدست دارند که با جوار و جنجال فراوان و بزور تبلیغات از مبارزات ضد امپریالیستی دم میزند! حسن آیت، که سابقه سیاسی ننگین اش فعالیت در حزب زحمتکشان "مظفر بقائی و همکاری با کودتاچیان ۲۸ مرداد است، مغز متفکر حزبی است که هر روز موضع برتری را در دستگاه دولتی کسب می‌کند. این تراژدی تاریخ است که پس از سرنگونی رژیم کودتا (رژیم شاه)، خیانتکارانی نظیر آیت‌الله رهبری حزبی فرار بگیرند که قویترین قدرت حاکمه در جمهوری اسلامی است. آیت روز پنجم به دوم مرداد هاه، با وفات و بشیر می خاصی به دکتر مصدق حمله کرد و از پشت تریبون مجلس چنین گفت: "من از ملت ایران تشکر می‌کنم. ملت ما بیدار بود. بازی یک مصدق السلطنه بر آیت‌الله کاشانی در آورد، نتوانست اینجا بازی بشود". اما توده‌های مردم فراموش نمی‌کنند که افرادی نظیر آیت و آیت‌الله کاشانی و جریانهای وابسته به آنها چه نقش خائنه‌ای در سرنگونی حکومت ملی دکتر محمد مصدق ایفا کردند.

مصدق علیرغم ناپیگیری و عدم قاطعیتش که از خصوصیات طبقاتی او ناشی میشد در مقابل امپریالیست‌ها ایستاد و سازش نکرد. اما امروز جریان تاریخی نظیر حزب جمهوری اسلامی و در راس آن آیت‌ها و بی‌بشعرتی‌ها که دعای مبارزه ضد امپریالیستی دارند، توده‌ها را فریب می‌دهند و در جهت به انحسار کشاندن مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها گام برمیدارند.

بهر حال همانگونه که رژیم کودتا نتوانست مدت مدیدی جلومبارزات توده‌ها را سد کند، این بار نیز عوامفریبان و دروغ پردازان افشا خواهند شد و مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده‌ها تا رسیدن به هدف نهائی علیرغم تمام موانع ادامه خواهد یافت.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران

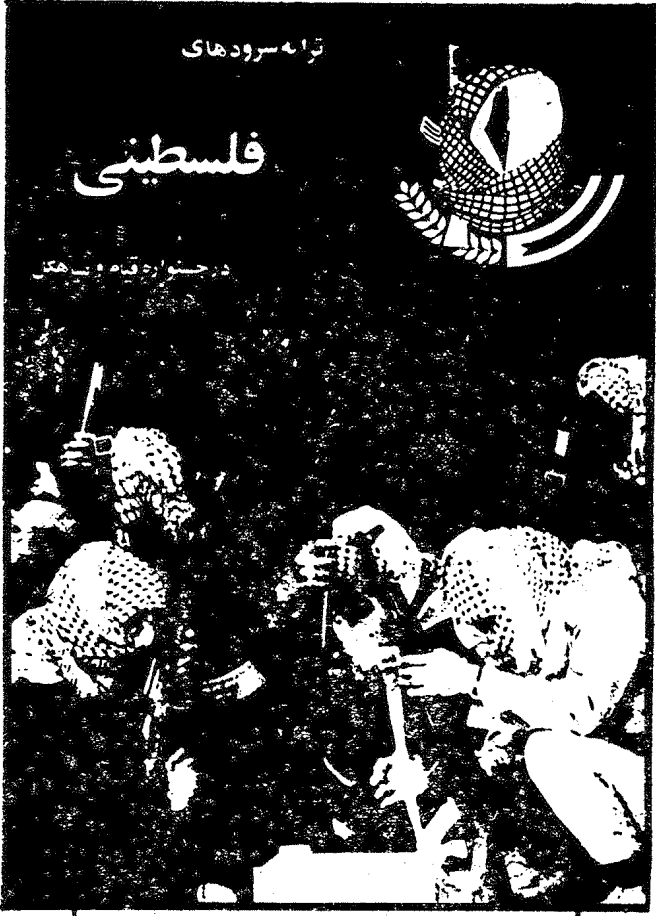


پاسخ به سئوالات

در چند هفته گذشته تحولات بسیاری پیرامون مسائل مبرم و اساسی جنبش از طرف رفقای هوادار بیمار سیده است که پاسخ به به همه آنها در این ستون امکان ندارد ولی رفقا پاسخ بسیاری از سئوالات خود را در سلسله مقالات ما خواهند یافت مثلاً "رفقای زیادی از موضع ما نسبت به جنبش خلق کرد سئوال نموده بودند و مقاله مندرج در کار ۶۲ را کافی نمی دانستند، ما ضمن تأیید نظر رفقا اقدام به چاپ یک سلسله مقالات پیرامون جنبش خلق کرد کردیم و امیدواریم رفقا بتوانند سئوالات خود را در این مقالات بیابند و در صورتیکه باز هم برای رفقا در این مورد اشکالات و ابهاماتی وجود دارد در مورد موضع گیری ما اشکالات و انتقاداتی می بینند ما را در جریان بگذارند. عده دیگری از رفقا از ما خواسته اند که در مورد پیرویه شکل گیری دو جناح در سازمان و چگونگی جدا شدن این دو جناح و علت های این جدائی توضیح بیشتری دهیم. در این مورد بنظر ما در صورتیکه فقط سئوالات کار ۶۱-۶۲-۶۳ و کتاب پاسخ اقلیت به نامه مرکزیت را بدقت مطالعه نمایند از کجای اختلافات با خبر خواهند شد. همچنین موضع گیری های مختلف ما بر مسائل مبرم و اساسی جنبش و اختلاف این موضع گیری با مواضع "کمیته مرکزی" رفقا را بیشتر در جریان مسائل مورد اختلاف قرار خواهد داد. تعدادی از رفقا از تضاد دو فراقسیون بورژوازی متوسط ایران و علت اینکه چرا ما حزب جمهوری اسلامی ایران را یک حزب خرده بورژوازی میدانیم سئوال کرده اند. ما در نبرد خلق شماره یک رئوس نظرات مان را در مورد تضادهای دو فراقسیون بورژوازی ارائه دادیم همچنین مقاله ترویجی کار شماره ۶۶ به یک سلسله سئوالات پیرامون تضادهای دو جناح پاسخ داده که رفقا میتوانند پس از اینکه این مقاله و مطالب مندرج در نبرد خلق را بدقت مطالعه نموده اند، در صورتیکه در این مورد باز هم

توضیحاتی لازم می بیند با ما مطرح نمایند. سئوال دیگری که رفقا مطرح کرده اند وضعیت خرده بورژوازی در جامعه سرمایه داری وابسته است. البته به این سئوال باید بطور کامل در تحلیل ساخت جامعه پاسخ داد و مختصراً اینکه اساساً هر قشر و طبقه ای که بعزت موقعیت عینی اش در تولید و مبادله، در تضاد آنتاگونیستی با بورژوازی وابسته می باشد، یکی از نیروهای شرکت کننده در انقلاب می باشد و تا این انقلاب به اهداف خود نرسیده باشد این قشر و طبقه دارای منافعی است که آن را وادار به شرکت در انقلاب و موکراتیک توده ای میکند. در شرایط جامعه ما، اقشار مختلف خرده بورژوازی که بعزت غارت و استثمار بورژوازی وابسته تحت فشار و غارت هستند متحد پرولتاریا در مرحله انقلاب و موکراتیک توده ای میباشند. البته خرده بورژوازی خواستار لغو مالکیت بطور کلی نیست، بلکه خواست اساسی او محدود شدن مالکیت می باشد و البته برنامه پرولتاریا در انقلاب و موکراتیک توده ای ایران باید بدین امر توجه داشته باشد. عده ای از هواداران سئوال کرده اند که آیا ما برای زمینهای واحدهای بزرگ کشت و صنعت و مکانیزه، شعار تقسیم زمین را میدهیم یا نه. بنظر ما در واحد هائیکه تولید بزرگ سرمایه داری شیوه اصلی تولید در کشاورزی است شعار تقسیم زمین اساساً غلط است و باید شعار، ضبط و مصادره این زمینها را داد و باید بشکل شورائی اداره شود که البته این مسئله بطور مشخص در جمهوری دموکراتیک خلق قابل حل است. سئوال - موضع مادر قبائل انحرافات چپ چیست؟ آیا سازمان مرز بندی در این مورد داشته؟ چرا اپورتونیسیم راست در شرایط کنونی خطر عمده جنبش کمونیستی است؟ اپورتونیسیم نفوذ ایدئولوژی غیر پرولتری در جنبش طبقه

کارگزار است و وظیفه هر جریسان کمونیستی زدودن کلیه انحرافات بمنظور پالایش هر چه بیشتر جنبش طبقه کارگر می باشد. اما در هر شرایط مشخصی ما باید قادر باشیم انحراف عمده موغیر عمده را بشناسیم و با تحلیل مشخص از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و وضعیت جنبش کمونیستی انحراف عمده و خطر عمده را تشخیص دهیم و بیمارزها آن بر خیزیم و نیروی خود را جهت منفرد ساختن آن متمرکز کنیم. در مقاله تحت عنوان "اپورتونیسیم راست خطر عمده در جنبش کمونیستی" (کار ۶۳) دلایل عمده بودن اپورتونیسیم راست در شرایط کنونی بتفصیل بیان شده است و به رفیق توصیه می کنیم به آن مقاله مراجعه نمایند. اما عمده مدعیانک بر این معنی عدم برخورد با سایر انحرافات نمی تواند باشد به همین دلیل ما در سلسله مقالاتی که در مورد کردستان و موضع سازمان در این مورد همچنین در ضمیمه ۸ تیر و مقاله در باره تاکتیکها مرز بندی مشخصی با انحرافات چپ داشته ایم که در اینجا از ذکر مجدد آن خودداری می کنیم اما باید تاکید کنیم که عمده بودن وظیفه بیمارزها با انحراف عمده به مفهوم به فراموشی سپردن مبارزه با دیگر انحرافات نخواهد بود. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقالات اختلافات درون جنبش کارگری (لنین) - مارکسیسم و رویزیونیسم (لنین) منتخبات فارسی (کار حزبی در میان توده (لنین) مراجعه کنید. سئوال - در مورد دولتی شدن کارخانه ها چه تحلیلی داریم؟ به رفیق سئوال کننده توصیه می کنیم به کار ۶۵ مقاله "طرح دولت در زمینه انتقال صنایع دولتی شده به بخش خصوصی" و نبرد خلق شماره یک دوره جدید مقاله "سیاست های اقتصادی ارگان سازش" مراجعه نماید.



ترانه سرودهای

فلسطینی



کارگاه هنر ایران
(کارگاه صدا)
در اشاعه هنر انقلابی
تقدیم میکند



موسیقی فلسطین و شیلی و...
در جشنواره
سالگرد قیام و سیاهکل

کارگاه
هنر ایران

با تکیه به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

گرامی باد خاطره شهدای

مردادماه ۱۳۵۸



در آستانه ولین سالگرد هجوم به کردستان نهرمان، قلب تپنده و سرخ ایران قرار دادیم. هجومی که همراه با آن پایمال کردن دستاوردهای قیام خونین بهمن ۵۷ تشدید شد و هیئت حاکمه دست به اعدام و کشتار رزمندگان خلق کرد و انقلابیون کمونیست در گوشه و کنار را برانزد.

رفقا سعید و علی میرشکاری در ۲۸ مرداد اول شهریور ۵۸ بحکم دادگاه انقلاب اسلامی کرمان بجوخه اعدام سپرده شدند. مادر این رفقای شهید میگوید: "سعید پس از شرکت در قیام به کرمان آمد و برای آگاهی دادن به کارگران معاندن کرمان به پادانای کرمان رفت و در آنجا کتاب فروشی باز کرد، سعید از نزدیک با کارگران ارتباط داشت و برای ایشان کتاب میخواند، اخبار کاری را بگوشان میرساند، ماهیت نظام سرمایه داری را به آنها نشان میداد سعید در مقابل کتاب سوزانی که به کتاب فروشی اش حمله کرده بودند میگفت "ا جازه نمیدهم کتابی را که با خون شهدا نوشته شده است بسوزانید بهتر است اول کتاب فروش را بسوزانید بعد کتاب را". ما در این شهدا در مورد علی میگوییم: "علی بعد از قیام با کارگران کوره پزخانه، سنگبری و دهقانان کار می کرد، پادانای که از پادانای خانه فرار کردند می گفتند "علی در دایگاه فقط پرده از جنایات رژیم جمهوری اسلامی که همان نظام سرمایه داری است برداشته بود، علی کشته بود ما دشمن امپریالیسم و نظام

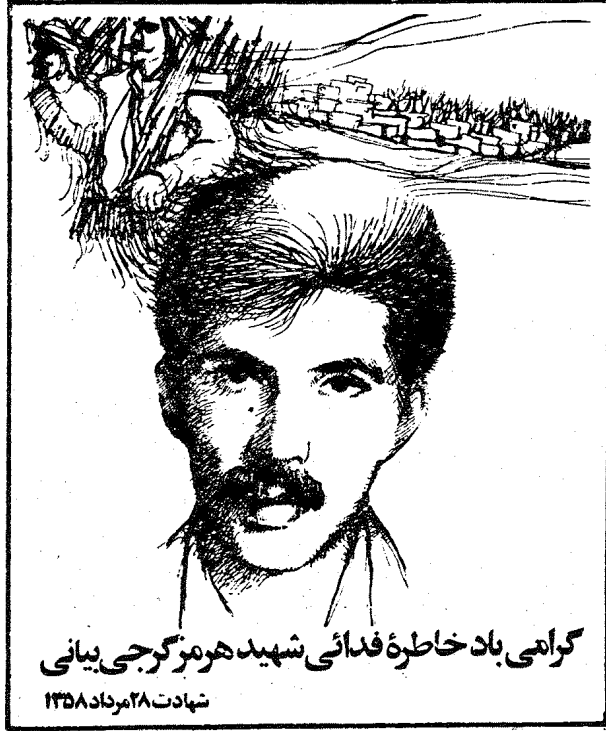


پتک است خون من
در دست کارگر
داس است خون من
در دست بزرگر

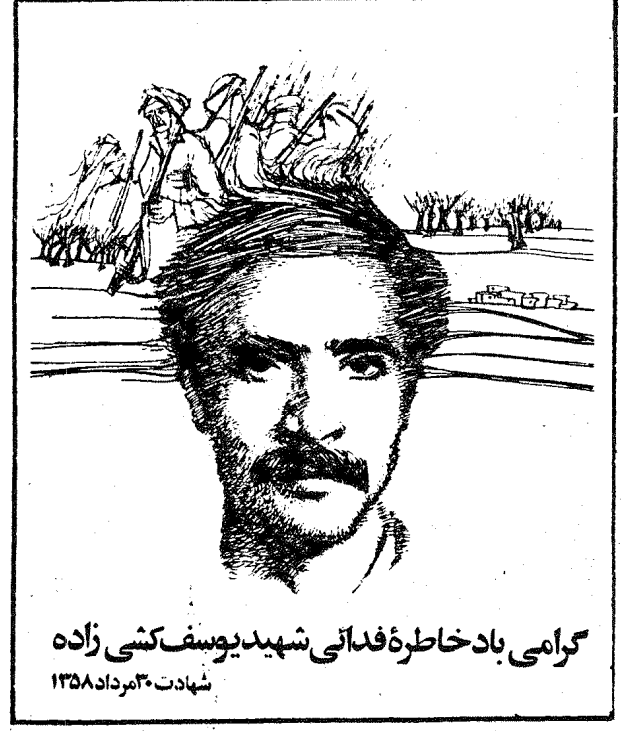
سرمایه داری هستیم و تا نابودیش دست از مبارزه بر نمی داریم ما با مذهب توده ها سر جنگ نداریم، علی با شعار درود بر کارگران و دهقانان و مرگ بر سرمایه داران صدایش خاموش شد.

رفیق شهید، فدائی خلق هرگز نمی بینی از دیگر مبارزانی بونکه صبح ۲۸ مرداد ۵۸ بجرم فعالیت پیگیر و شبانه روزی برای آگاهی مردم و بجرم سالها مبارزه، زندان و شکنجه علیه رژیم منفور شاه بجوخه اعدام سپرده شد. دانش آموزان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در کرمانشاه طی بیانیه ای بخاطر شهادت رفیق نوشتند: "ما گرجی را دوست داشتیم و داریم. گرجی بما درس مبارزه آموخت، گرجی معلم ما بود، اولین بار گرجی بود که با افشگری های شجاعانه خود در سر کلاس ها چشم و گوش ما را باز کرد، وقتی که از اوضاع کلافه میشد دیگری محابا همه چیز را می گفت، می گفت دلم می خواهد که همه شما بروید دانشگاه، می گفت همه شما از بچه های زحمت کشید، محرومیت دیده اید، دانشگاه بروید خیلی چیزها دستگیرتان میشود... ما گرجی را دوست داشتیم، همه گرجی را دوست داشتند، همه خون پاک و شریف شهید گرجی را با ما همراه گرجی، با پاسداری با آرمای نهایی گرجی پاس میدارند" (نقل از کار شماره ۳۳)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یا همه رفقای شهید را گرامی میدارد



گرامی باد خاطره فدائی شهید هرمز گرجی بیانی
شهادت ۲۸ مرداد ۱۳۵۸



گرامی باد خاطره فدائی شهید یوسف کشی زاده
شهادت ۲۰ مرداد ۱۳۵۸

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر